

اسناد تاریخی

منتشر شده و

ایل قشقایی

حواشی و توضیحات از: دکتر محمد ابراهیم باستانی یاریزی

اسناد منتشر شده ای که در این شماره چاپ می‌شود به لطف آقای داریوش قشقایی در اختیار این ماهنامه گذاشته شده. این اسناد در حقیقت روشنگر بسیاری از مطالب عمده ای است که می‌تواند راهنمای مورخین و نیز دوستداران تاریخ این ملک باشد.

با توجه به اهمیت این اسناد، استاد گرانقدر جناب آقای دکتر محمد ابراهیم باستانی یاریزی در نهایت بزرگواری و لطف آنها را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده اند.

امیدواریم دز آئینده بتوانیم با همت هموطنان قشقایی اسنادی را که در گوشه و کنار پراکنده و یا به امانت نزد اشخاص مانده است دگر بار منتشر و با باوری و قلم توانای استاد باستانی یاریزی فصلی عمده در تاریخ ایل غیور قشقایی بگشاییم.

مخفیة کلتسا

این نامه ها مربوط به وقایع سال ۱۳۲۶ قمری و داستان به توپ بستن مجلس توسط محمدعلی شاه است. ظاهرا "طلاب و بعضی علمای نجف هیئتی بنام " هیئت مخفیة علمیه نجف اشرف ترتیب داده بود، و طی اعلامیهائی مردم ایران را به مقاومت در برابر حکومت جابرانه محمد علیشاه دعوت نموده اند.

این نامه از طرف آن هیئت به صولة الدوله قشقائی فرستاده و طی آن خواسته شده که " . . . محض حمایت دین و اعانت مذهب و اجراء احکام حجج الاسلام، عدهای از ایل قشقایی را بپوشانند و شیراز گشته و حاکم را بیرون نموده و تاسیس انجمن ایالتی بفرمائید و در استرداد حقوق مقصوبه ملت سعی بلیغ نمائید . . . " .

این نامه تاریخ ذی حجه ۱۳۲۶ دارد، چنان می نماید که صولت الدوله به این تقاضا روی موافق نشان داده و چند مرتبه صورت معاهدهای هم تنظیم شده است که امرا و سرداران جنوب آن را امضاء کرده اند و آیت الله آقاسید کاظم خراسانی نیز آن را تصحیح و تائید کرده، و آن در "اکمال و ابقای مشروطیت" است. این معاهده در ربیع الثانی ۱۳۲۸ تنظیم شده و صولت الدوله سردار عشایر و معزالسلطنه سردار ارفع و غلامرضاخان سردار اشرف آن را امضا کرده اند.

(در آخر اعلامیه تاریخ ۱۳۲۷ یادداشت شده که اشتباه چاپی است و صحیح همانست که در متن یاد شده)

ظاهرا " موفقیت های بختیاری در امر مشروطیت و قبضه کردن امور مملکت توسط سردار اسعد و سپهسالار و سایر سرداران ملی، موجب تهاون صولت الدوله شده و آقاسید کاظم خراسانی وارد عمل شده و برای همراهی سران عشایر جنوب با مشروطیت، به تنظیم این قرار داد مبادرت کرده و سپس طی نامه ای اشاره کرد است که " . . . البته مقام محترم عالی اجل از آن است که به رقابت بختیاری خدای نخواسته، برای وطن و ملت چنین امور را روا بدارند، انشاء الله به تدارکات لازمه مبادرت خواهید فرمود، و چه قدر لازم و باموقع است که از جانب هیئت اتحاد جنوب یک مقدار قشون نظامی صحیح با سردار با کفایتی پس از مذاکره با مجلس محترم ملی و وزارت جلیله جنگ، برای اقامت در خود مرکز ترتیب فرمایند . . . " .

بشرف عرض کالیبر

بانه خاطر مبارک از اختلال ادنیاع امروز ایرانیان و ضعف دولت پارتی

اکنون اسلا بیان سبوق دستخیز باشد و یقیناً نشد در افتاد است مظلوم را مشاهده فرمود و کتب و تخری
 رحمت چاره راه خط میزاید و لا محاله صد استغاثه و استغاثه برادران و نیز استغاثه و انما و غیره مظلومیت خوان
 مژگین از تمام اطراف و اکناف گشت و بران بیع مبارک رسید و میرسد و بیب ایند قد زلفا نشسته بند
 خراب و خرابیها را جانب تقابل بهتر از شناخته و بد ایند از فرود آمدن این شاه جوان مغرور باد که سلسله نشسته اسب
 افتراخی دولت استیضاح است فرا هم و اعلام به بنظر ایرانیان ظاهر و ابراب ملات و نجات اسب بیان سه او گشته
 و لذا از فکر که در سلسله مستقر کرده و بجز غلظت هر وقت بر ابرام منته چند فرقه هم کرده و قران در مظلومیت را با من چون فرود
 شاه افغانی شنبه و مظلومیت را در اسب خود به است شوال افضل و امدادش قند گشته تا خاک دولت بر سر است بیتمه صبر
 توب بسته و شرفین را مفضل و سبب سخته و عدالت خود را فرقه را هم خود دست یافت و است که گشته است و بیتمه
 معارف کرده اند و مشوره بکنیز برادران صفی است سول و اخته بر افغان و واج چه کرمه بود جانها سر خفا ناک و ذوق اخت و صبر
 خراب و چه ارال بناداج وقت و چه ابرو و چه اگر چه آنگاه از وقت است و خفاک و روحی هر نیز و چرا از در اسب و در کار
 از پیش برده اند و تمام قتل در در نظر سبب و شرف گشته و لیکن معلوم است که این عدل اقول بود و ما سر زنده است شاهد ششم
 حشیر و اعدا بر جنگ نیز بیان و امداد مصلحت و از ابرو قند و قلم برادران خراب خراب از نظر سبب و بیتمه و حجت اول
 ایران که مکن خوشتر و قیب بگشته و جوان مغرور و خراب را فراتر شرف بر کشتن برادران و نیز در اسب نمودن خرابان و در هر فرقه
 سر زنده و مشایخ که جانب را هم بران ابر شایخ کتلیف مصلحت و امداد و از ابرو بر اسب نیز از جانب ابرام حلیه باشند و باید که بران
 و استیضاح و صحت مونس بن جانب مصلحت و امداد بر ابرو بر اسب مصلحت و امداد و از ابرو بر اسب مصلحت و امداد
 ترجیح نه بود و بر کشتن شیخان و مجین ال محمد اقدام نایبید و ابرام اسم بر اینست که ایران قطعه بزرگ شرف گشته و چند
 روز نتواند گشت که بیرق شرف گشت و تمام نقاط ایران همه مزایا شده برکت که و از این بیان شرف گشته و تمام
 قواچ انصورت انجمن تاسیس مصلحت و از جانب مصلحت و امداد بر کشتن مصلحت و امداد بر کشتن مصلحت و امداد
 بیعت حکام حج اسب بر بیعت شرف با عده از ابرو بر اسب و از ابرو بر اسب و از ابرو بر اسب و از ابرو بر اسب
 تاسیس انجمن مصلحت و از ابرو بر اسب و از ابرو بر اسب و از ابرو بر اسب و از ابرو بر اسب و از ابرو بر اسب
 هم انجمن تکبیر مصلحت و از جانب مصلحت و امداد بر کشتن مصلحت و امداد بر کشتن مصلحت و امداد
 خرابان مزایا شده و از ابرو بر اسب و از ابرو بر اسب و از ابرو بر اسب و از ابرو بر اسب و از ابرو بر اسب

در این وقت که در کتب و تخری
 در این وقت که در کتب و تخری

مدد است به برضی دولت ابرابان و خیر اسم بچهاره که اسدیان ترجمه مفرد هم بر هر اسم چیده تمام گذاشته و اقدام
 به استغفار است با صاحب بنامیه امروز چشم اسم بر قدرت اسر و کتک شاد است بدین است و عیت شایسته
 در نجات و مدد سر جنت بشه بر قدرت شایسته شاد است که بنام اسم کن عیت بن دعانت خراب و با چهار اقدام
 هیچ اقدام همه از ابرو شانه بر داشته دارد و فرزند گشته و کارهای بیرون محقق و تابیس انجمن ابانتر بجا آید و آستر او حقوق منفر
 من مری بنامیه آید و اینم که افش به لای اسم و نشر است. دعانت برادران و نیز گنایر فقر همه و این واسطه ام
 در رسم و شنجاس و در تاریخ ۱۵ از عهد بیگانه که بکتابه هیت عمیم مخفی بکنان است



نگاه علوم آسانی و مطالعات فرسنگی
 رمال طبع علوم آسانی

(Faint, mostly illegible text in the bottom half of the page, appearing to be bleed-through from the reverse side.)

اللهم اجمع شمل المسلمين واعل

كلمتهم

بشرف عرض عالی میرساند البته خاطر مبارک از اختلال اوضاع امروزی ایرانیان و ضعف و ذلت و پریشانی اکنون اسلامیان مسبوق و مستحضر میباشد و یقیناً " شدت گرفتاری ملت مظلوم را مشاهده فرموده و نکبت و خواری رعیت بیچاره را ملاحظه میفرماید و لا محاله صدای استغاثه و استضار برادران دینی را شنیده و ناله و ضجه مظلومیت اخوان مومنین از تمام اطراف و اکناف مملکت ویران بسمع مبارک رسیده میرسد و سبب اینهمه فتنه و فساد و منشاء اینهمه خرابی و خونریزیها را جناب مستطاب عالی بهتر از ما شناخته و میداند از آن روزی که این شاه جوان مغرور براریکه سلطنت نشسته اسباب انقراض دولت و استیصال ملت فراهم و علائم بدبختی ایرانیان ظاهر و ابواب سعادت و نجات اسلامیان مسدود گشته و از آن وقتی که در سلطنت مستقر گردیده بجنب ظاهر با ملت همراهی نموده چند دفعه قسم یاد کرده و قرآن را مهر نموده و اما در باطن چون مشروطیت را منافی اغراض شخصی و... با هوا و هوس خود میدانست مشغول اخلال و احداث فتنه گشته تا خاک مذلت بر سر ملت ریخته مجلس را توب بست و مشروطیین را مخذول و منگوب ساخته و عدالت خواهان را قتل و اعدام نمود و مدت هفت ماه است که خطه آذربایجان را صحرای بلا گردانیده و شیوه جنگی را در انصفحات معمول داشته بر افناء و دایع ال کمر بسته چه جوانهای رعنا با خاک و خون آغشته و چه خانهها خراب و چه اموال بتاراج رفته چه ابروها ریخته و اگر چه تا بحال از همت و حمیت ستارخان و وطن پرستی و جوانمردی آذربایجانیان، کاری از پیش نبرده اند تمام قشون دولتی مغلوب و متفرق گشته ولیکن معلوم است که این عار را قبول نکرده و تا می تواند دست نخواهد کشید و تمام عشایر و ایلات را بر جنگ تبریزیان وادار نمود و مسلمانان را بر قتل و قتال برادران مذهبی خواهد فرستاد تف بر غیرت و حمیت اهالی ایران که محض خوشنودی قلب پادشاه جوان مغرور خدا و رسول را فراموش نموده بر گشتن برادران دینی و اسیر نمودن خواهران وطنی اقدام می نماید و شاید که جناب عالی را هم بر این امر شنیع تکلیف

موده و اعانه و سوار برای جنگ تبریز از جناب عالی هم طلبیده باشند و امید
 ز تدین و اسلامیت و کمال خلوص نیت جناب عالی گهینه دنیای محمد علی
 با هرا بر دین خود اختیار ننموده و رضای دولتیانرا بر رضای خدا و رسول
 و حجیح ندهید و برگشتن شیعیان و محبین ال محمد اقدام ننمایید و اینرا
 هم بدانید که ایران قطعا " بزودی مشروطه گشته و چند روز نخواهد گذشت
 که بیرق مشروطیت در تمام نقاط ایران بلند خواهد شد مدتیست که در آذربایجان
 مشروطیت مستقرو در تمام توابع انصفحات انجمنها تاسیس نموده اند
 جناب صمصام السلطنه بختیاری محض طرفداری ملت و حمایت دین و
 عانت اسلام تبعیت احکام حجج اسلامیه نجف اشرف با عده از ایل بختیاری
 وارد اصفهان گشته و حاکم را بیرون کرده و اقامه بنیان معدلت و تاسیس
 انجمن نموده بجد وافر مشغول استرداد حقوق ملت هستند و البته بلوای -
 مشهد مقدس و استرآباد را شنیده اید که در آنجا ها هم انجمن تشکیل
 نموده اند جناب ضرغام السلطنه در طولش و نصر السلطنه در تنگابین انجمن
 بر پا نموده و در تحصیل مشروطیت اقدامات غیورانه می نمایند فلذا ما و
 عیان هیئت علمیه نجف اشرف از جناب مستطاب عالی مستدعی و خواهش -
 مندیم که محض الله و طلبا " ... ؟ مرضات الله بر ضعف و ذلت ایرانیان و
 غریبی اسلام و بیچاره گی اسلامیان ترحم نموده و بر همراهی ملت بیچاره
 قدم گذاشته و اقدام بر استخلاص رعیت بی صاحب بنمایید امروز چشم اسلام
 بر فتوت و مردانگی شما و دست ملت بر دامن همت و حمیت شما است و نجات
 و خلاص رعیت بر غیرت شماست سزاوار است که جناب عالی هم محض حمایت
 دین و اعانت مذهب و اجراء احکام حجج الاسلام عده از ایل قشقائی را بر
 داشته وارد شیراز گشته و حاکم را بیرون نموده و تاسیس انجمن ایالتی بفرمایید
 و در استرداد حقوق مقصوبه ملت سعی بلیغ بنمایید امید داریم که انشاء
 الله در احیاء اسلام و نشر عدالت و اعانت برادران دینی کوتاهی نفرموده
 و باین واسطه اسم و رسم و نیکنامی در تواریخ عالم از خود بیادگار بگذارید
 هیئت علمیه مخفیة نجف اشرف .

(مهر) هیئت مخفیة نجف اشرف (مهر) رئیس هیئت مخفیة

بسم الله الرحمن الرحيم
 در وقت معاهده و اتحاد اسراوسر داران عظام جنوب
 که بنظر مبارك ربنا الله و للذین ایتة شافی الارضین
 است مستطاب اقای خراسان دام ظلّه العالی رسیده
 در پنجم شش طری زیاد و امضا فرموده برای پیداری
 ببری قاطبه اسراوسر داران عظام و رجال باشرقت
 و توثیق همی این اتحاد مبارك که حفاظت مملکت
 و تحمیل و تعمیر فرموده اند با وجودیکه تاج
 اوقات اتفاق را داشتند آن هر زمان بایسته مختلفه توضیح
 فرموده اند و بر هر ذی شعوری ثابت است که دولت
 با اتفاق مجرد اسوس که این کوهس گر اینها و وطن
 زما بجز وقت است از اکثر هالی این مملکت جز
 رض تسای و احرامی مقام ششذی چیز دیگر مشاهده
 بود بر سروریکه امروز تمام دانشمندان عالی مراتب
 بت رای علاجی بر طری مریض عنبرض ما جز اتفاق و و داد
 در ایامه و بر اتحاد و و از نشان داده اند
 و پیداری خادما و وطن که از اغلازه و مشروطیت
 این مملکت تو امان حتی بقدر و روالا مکن بدون غرض
 بطول در خصص این مقصود مقدس جهد و افی نموده
 ای دلجنه اتحاد را دانسته ایم در این تاریخ که غره
 پانزدهم سنه ۱۳۲۸ هجری مطابق فرخنده قال
 ایل خیریت دلیل است عند اتحاد و عهد انورت
 با دوا و وجب این عهد دانه با هم محکم و برقرار
 هم که مادام الحیوة بلوازم و مقتضیات یکاکی
 بشری در هر چه که دیگر رفتار نموده کل عشره قانی
 اسرار و را عشره قواعد فرض نموده و اجرای
 بخش کامل در تدبیر رفته خرد دانست متحد قدر امکان
 بنی عابد شاید بجز اولی فخرالی و طری غیر در این مملکت

ملاکت ملامت و ده سال عت و ده سال فرسودگی
 حضرت رب العزیز و اولیاء کرام را در میان خود محکم و کرام
 قرار دادیم که از لوازم و مقتضیات اخوت و اتحاد نجف پیرو
 هم و ضرورت یکدیگر را واجب بخوردیم از خالق عالم و عالی
 درام و بقاء این اتحاد حقیقی را امیل و طایم زنده باد خیرت
 پاینده باد مشروطیت ایران ماده اول حفظ وطن بمنزله که
 بر هر فردی از افراد ایران لازم است و این ماده از وطن
 فرض شده خود دانست و عهدتو دیم تا آخر دنیا که از تمام
 قوی خدا داد خودمان در حفظ استقلال ایران بگوئیم بزرگ
 قصور نور و ریم
 ماده دوم در ازل و ابانی مشروطیت باید لازمه
 انعام را بعمل آورده از هیچیک که در کار می بود داری
 ما هم نامشروطیت و از آنکه ایران روح آن دو پیدار
 باشد ما هم در هر چه در این مملکت بر این مملکت از
 اول و اجبات و تحمیل و طری مریض است لهذا از خادمان
 وطن متعهد شدیم که هر کس در حدود و وسایع خود
 اسس امنیت را فراهم آورده تا تجارت داخله و خارجه
 محفوظ و روابط بین المللی مصون ماند و ابانی وطن
 و اتباع خارجه در مسدود و امان و نذکاتی نمایند که اولیای
 دولت و ملت بتوانند اسوده خاطر در رواج مشروطیت
 بکشند ماده چهارم چون عهده منسود از این اتحاد
 حفاظت استقلال مملکت و اجرای وظائف مشروطیت
 ایرانست لهذا هر کس از رؤسا و اکابر ایران که به بین
 عهده بشد و طب اتحاد صادقانه باین هیئت که موسوم
 به هیئت اتحاد است دانلی شونده اتمل و قیرو احترام خراهم
 پذیرفتند و پنجم هیئت اتحادیه در حفظ شرف
 و مناسبت و مقام یکدیگر حتی لامکان نمهند و در این باب
 تاریده اند قصور نخواهند در ورزید

پیشگاه علوم انسانی و مطبوعاتی
 رتال جامع علوم اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم (واکن بشرط عدم تخط از احکام
 زبنت و فرابین موضوعه ملکتی و عدم تجاوز بر حقوق
 باقر ادمیت و سر پیچی و ضدیت نداشتن با دولت
 طبعه عارسه خود تمام هیت اتحادیه دفع هر کس را از
 بین خود و تجاوز کند متهم دخواتند بود انشاء الله تعالی
 الاحقر محمد کاظم الخراسانی
 ملاه ششم هیت اتحادیه خود را حای مجلس مقدس
 از شوروی لی شیدا که اراکه اعلان بنیادند با همتی
 که انضای مجلس مقدس از این بعد خود را داری یک
 اوره نظیمه ذات فارغ اقبال بدون ملاحظه از احدی در
 منافع عامه ملی و ملکتی آراء خود را اظهار فرموده
 در وظایف و تکالیف خود بصورت ورود احوال هر کس
 مفروض و محاسبانند از نظر اندازی بیادنی ترس و اطمینان
 بطوریکه قوانین بشر و هیت اقتضای کند در صد در صد
 بر آید و این هیت و طبع در تشریب مجلس مقدس در تورا
 ضامن دار خرامیم دانست اصوله الدوله در دار عتاد
 من السلاطین و در ارفه غلام رضای در اشراف

بسم الله الرحمن الرحيم این معاهده اتحادیه سر دلان
 عالم جنوب ایدهم انه تعالی بر موادشش نامه با بند
 توضیحی که احقر در ماده پنجم افزوده و حکم اصلاحی
 که در ماده ششم نموده از شعب و قروع همان اخوت
 و اتحادیه که حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و صحبه
 المتحبین فیما بین اصحاب کرام خود استوار فرموده و موادمانی
 که این اخوت و اتحادیهی محفوظ بود رونق و شکوه
 و عزت و اعتلاء اسلام روز افزون بود و اختلال امس
 از اخوت و اتحاد مسلمانان را باین حالت حالبه رسانیده
 مصداق (یخونون ان یحطکم الذس) نموده است
 وطن عزیز ما را میان ایران را یکدیگر ب جهلات نادانان

ایجاب و حقوق و طایفه ما با ملک بشویمان را ایال تانست و آن
 ست که بر آن اندیشه بوده بکمال نخوت و غرور از خیال
 و جنوب حمله آورده اسام امنیت ملکناز و استبداد
 و هر روزی بیکدست اندازی و لکد کوبی تازه دروند
 و آنچه بحق برستان و نوع پروران عالمم تقالم میشود
 یعنی نبردند فذا بر تمام اسراء و سرداران و درضا
 و جوانین عشائر و ایالات و قاطبه را از انتر فایر از جنوبا
 و شمالاً غیر فایر با بر اجب است اندکی محال است انشال
 سائر حال بزرگ اسلا که توسطه اقی دانشی و انتر فایر
 و در فیم بدترین اخوت دینه و تحفظ نداشتن بر هیت
 و شرف استقلال و حقوق طایفه و ملیه و استبداد
 استقلال خود را از دست دادند و در تحت استبداد
 احب بختی اول از بی اسر انیل در قوم لرزه گرفتار
 دطف نظر خاتمه از در بر تار و سبام آلم صورت کوهان
 و حمت ادرست و تانست و اذقی به و استبداد
 در راسته کج و آوار حضور محکوم استوار و ایالات
 دین بر سر و حجب ره و ایالات و استبداد
 دین و طایر از ایالات و استبداد
 و مدبر و طایفه خود را استقامت و استبداد
 که تیاکن تا سر و دست بدست داده اند و در تورا
 ایکن از دست ندهند نکرده و حسن مابت نداشتن
 و شرف قومیت نشناختن را خود را اندانند و این لکه
 منحوسه تاریخ را از تاریخ حسی خود دور نموند
 تاریخ عالم یادگار گذارند انشاء الله تعالی ثبت الجمع
 بالقول الثابت وجهان انبیین بقالون فی سبیلهم اکلهم
 بین مرصوص و لاجول و لا اقره الا الله العلی العظیم
 و السلام سیدیکم و رحمة الله و برکاته ۸ رجب ۱۳۰۲
 الاحقر ابوالقاسم محمد کاظم الخراسانی



بسم الله الرحمن الرحيم

صورت معاهده و اتحاد امراء و سرداران نظام جنوب است که بنظر مبارک رئیس
 الله و اتحاد امراء و سردار از نظام جنوب است که بنظر مبارک رئیس الله
 والدین ایه لله فی الارضین حضرت مستطاب آقای خراسانی دام ظلله العالی
 رسیده در ماده پنجم شرطی زیاد و امضاء فرموده برای بیداری و هشیاری
 قاطبه امراء و سرداران عظام و رجال با شرافت ایران و تشویق همگی باین
 اتحاد مبارک که حافظ مملکت است تحسین و تمجید فرموده اند (بسم الله
 تعالی با وجودیکه تا بیچ و فوائد اتفاق را دانشمندان هر زمان بالسنه مختلفه
 توضیح و بیان نموده اند و بر هر نئی شعوری ثابت است که دولت همه از اتفاق
 خیزد افسوس که این گوهر گرانبها در وطن عزیز ما بیقدر و قیمت است از
 اکثر اهالی این مملکت جز اغراض نفسانی و اجرای مقاصد شخصی چیز دیگر
 مشاهده نمیشود در صورتیکه امروز تمام دانشمندان عالم سیاست و پلستیک برای
 علاج وطن بریض عزیز ما جز اتفاق و وداد درمانی نیافته و غیر اتحاد دوائی
 نشان نداده اند .

بناء علی هذا این خادمان وطن که از آغاز ظهور مشروطیت ایران جنت
 توامان حتی المقدور و الا مکان بدون غرض و بیطمعانه در خصوص این مقصود
 مقدس جهد وافی نموده و قواید حسنه اتحاد را دانسته ایم در این تاریخ که
 غره ربیع الثانی سنه ۱۳۲ هجری مطابق فرخنده فال ۱۳۰۰ میل خیریت
 دلیل است عقد اتحاد در عهد اخوت و وداد را بموجب این عهد نامه با هم
 محکم و برقرار نمودیم . که مادام الحیوه بلوازم و مقتضیات یگانگی و برادری
 در باره یکدیگر رفتار کل عشایر قشقایی و عرب و الوار را عشیره واحد فرض
 نموده و اجرای مواد شن گانه شریفه ذیل را ذمه خود دانسته متحدان " بقدر
 امکان کوشش نماید شاید بحول لله تعالی وطن عزیز را از گرداب هلاکت
 خلاص نموده بساحل نجات و سعادت قریب سازیم حضرت رب العزه و اولیا
 کرام را در میان خود حکم و گواه قرار دادیم که از لوازم و مقتضیات اخوت
 متحدان " نفع و ضرر یکدیگر را راجع بخود بدانیم از خالق عالم و عالمیان
 دوام و بقاء این اتحاد حقیقی را مایل و طالبیم زنده باد حریت پاینده باد

مشروطیت ایران ماده اول حفظ وطن عزیز که بر هر فردی از افراد ایران لازم است و این خادمان وطن فرض ذمه خود دانسته و عهد نمودیم تا آخر دقیقه امکان با تمام قوای خدا داد خودمان در حفظ استقلال ایران بکوشیم و نزه قصور نورزیم.

ماده دوم در اكمال و ابقای مشروطیت باید لازم اهتمام را بعمل آورده از هیچگونه فداکاری خود داری نمائیم تا مشروطیت صحیح در مملکت ایران رواج گیرد و بماند ماده سیم چون حفظ امنیت برای مملکت از اول واجبات و نخستین شرط وطن پرستی است لهذا این خادمان وطن متعهد شدیم که هر کس در حدود و سامان خود اساس امنیت را فراهم آورده تا تجارت داخله و خارجه محفوظ و روابط بین المللی مصون ماند و اینای وطن و اتباع خارجه در مهد امن و امان زندگانی نمایند که اولیای دولت و ملت بتوانند آسوده خاطر در رواج مشروطیت بکوشند ماده چهارم چون عمده مقصود از این اتحاد حفظ استقلال مملکت و اجرای وظایف مشروطیت ایرانست لهذا هر کس از روسا اگابر ایران که بهمین عقیده باشد و طالب اتحاد صادقانه باین هیئت که موسوم به هیئت اتحادیه است داخل شوند با کمال توقیر و احترام خواهیم پذیرفت ماده پنجم هیئت اتحادیه در حفظ شرف و منافع و مقام یکدیگر حتی الامکان متعهد و در این باب تا زنده اند قصور نخواهند ورزید.

بسم الله الرحمن الرحیم ولکن بشرط عدم تخلف از احکام شریعت و قوانین موضوعه مملکتی و عدم تجاوز بر حقوق سایر افراد ملت و سر پیچی و ضدیت نداشتن با دولت مطبوعه حارسه خود و تمام هیئت اتحادیه دفع هر کس را از این حدود تجاوز کند متعهد خواهند بود انشاء الله تعالی

الاحقر محمد کاظم الخراسانی

ماده ششم هیئت اتحادیه خود را حامی مجلس مقدس دار الشورای ملی شید الله ارگانه اعلان مینمایند باین معنی که اعضای مجلس مقدس از این به بعد خود را دارای یک قوه عظیمه دانسته فارغ البال بدون ملا حظه از احدی در منافع عامه ملی و مملکتی آرا خود را اظهار فرموده در وظایف و تکالیف خود قصور نورزند احیانا "هر کس مغرض و مخالف یا بعنوان طرفداری میباشد

بی ترس و وا همه بطوریکه قوانین مشروطیت اقتضا کند در صدد رفع آن بر آیند و این خادمان وطن در تصویب مجلس مقدس خود را فامان دار خواهیم دانست صولت الدوله سردار عشایر معزالسلطنه سردار ارفع غلامرضا سردار اشرف.

بسم الله الرحمن الرحیم این معاهده اتحاد نامه سرداران عظام جنوب ایدهم الله تعالی بر مواد شش گانه با قید ترضی می که احقر در ماده پنجم قزوده و حک اصلاحی که در ماده ششم نموده از شب و فروع همان اخوت و اتحادی است که حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و صحبه المنتخبین قیما بین اصحاب گرام خود استوار فرمود و مادامی که این اخوت و اتحاد مدینی محفوظ بود رونق و شکوه و عزت و اعتلاء اسلام روز افزون بود و اختلال اساس از اخوت و اتحاد مسلمانان را باین حالت حالیه رسانیده مصداق ربخافون ان بتحفظکم الناس) نموده است وطن عزیز ما اسلامیان ایران را لگد کوب حملات ظالمانه اجانب و حقوق وطنیه ملیه بلکه بشریه همان را پایمال ساخت و تاز ستمگرانه آنان نموده بکمال نخوت و غرور از شمال و جنوب حمله آورده اساس امنیت مملکتان را منهدم و هر روزی یک دست اندازی و لگد کوبی تازه دارند و آنچه بحق پرستان و نوع پروران عالم همه تظلم میشود بجائی نمی رسد لهذا بر تمام امرا و سرداران و روسا و خوانین عشایر و ایلات و قاطبه رجال اشرف ایران جنوبا " و شمالا " شرقا " و غربا " واجب است اندکی بحال اسف اشتمال سایر رجال بزرگ سایر ممالک اسلامیه که بواسطه نفاق داخلی و اغراض شخصیه ر رفع ید از این اخوت دینی و تحفظ نداشتن بر نعمت و شرف استقلال و حقوق وطنیه و ملیه موهبت عظمای استقلال خود را از دست دادند و در تحت اسارت و فشار اجانب بحالته اذل از بنی اسرائیل در قوم فرعون گرفتارند نطف نظری نموده از روزگار سیاه آنان عبرت گیرند و تافروست از دست نرفته عقد اتحاد و اتفاق به مواد شش گانه متن را مستحکم و این حصن محکم را استوار و یک غیرت دین پرستانه و حمیت وطن خواهانه عصمت و ناموس اعظم دین و وطن را از این ممالک مستخلص و حقوق بشریه و ملیه و وطنیه خود را استفاده و نعمت شرف استقلال

را که نیاکان تا با امروز دست بدست داده نگاهداری نموده برایگان از دست ندهند ، تنگ و عار حس ملیت نداشتن و شرف قومیت نشناختن را خودروا ندارند و این لکه منحوسه تاریخیه را از نتایج بی حسی خود در صفحات تاریخ عالم بیادگار نگذارند انشاء الله تعالی ثبت الجميع بالقول الثابت و جعلنا من الدین یقاتلون فی سبیلہ صفا کلہم بنیان مرصوص ولا حول ولا قوه الا باللہ العلی العظیم و السلام علیکم و رحمہ لله و برکاتہ ۸ رجب

۱۳۳۷

الأحقراقجانی محمد کاظم الخراسانی

مهر



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال چاپ ۱۳۳۷

سوره الرحمن

بسم الله الرحمن الرحيم
۳۲۱

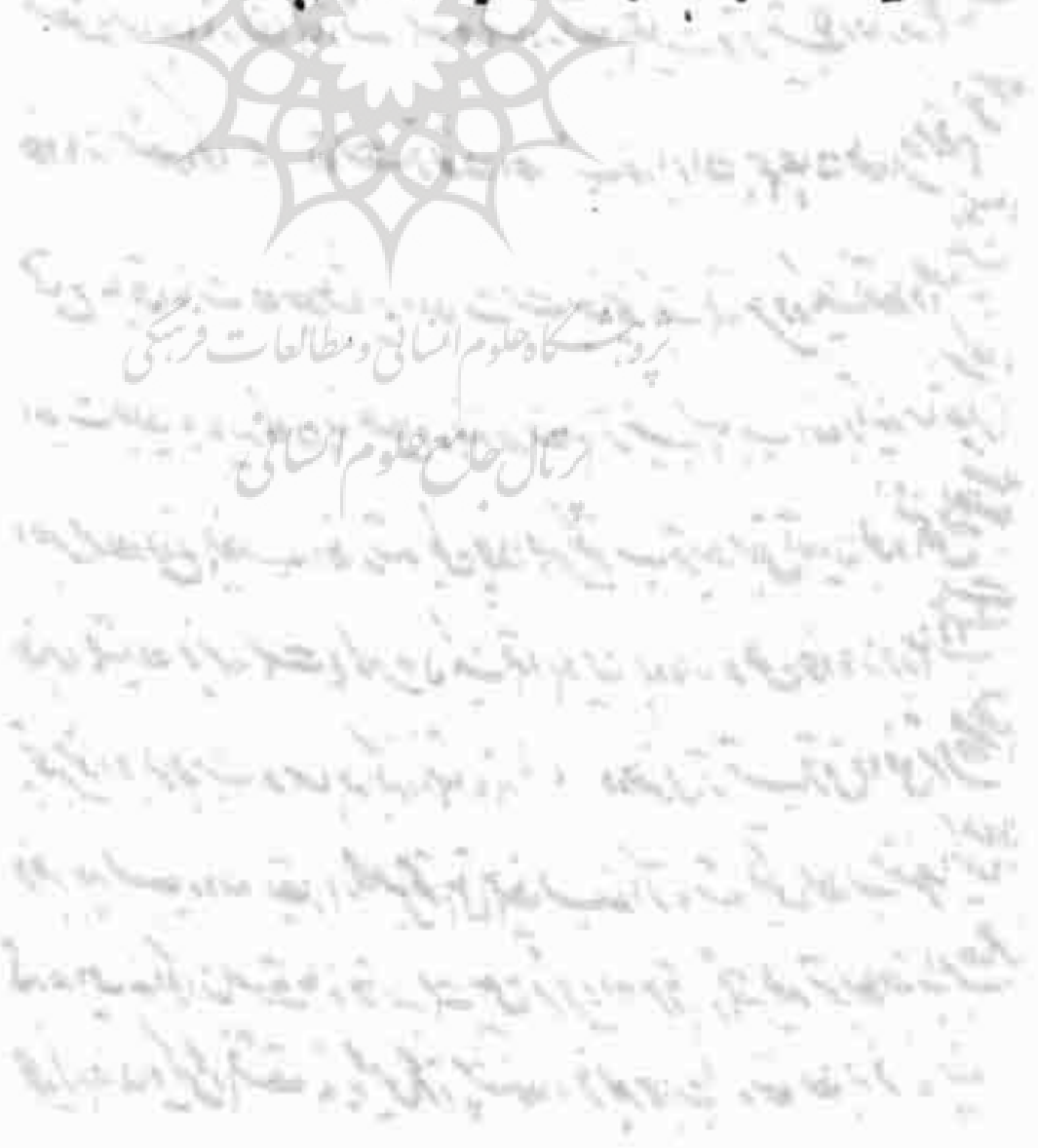
سوره من مجید
بسم الله الرحمن الرحیم در حرکت و عدل است و در حرکت است
و حیت و قوت برینانند که در مقام بود رقیه برینم موزنه ساجد برینانند رسیه از سوره الرحمن

تکسر و کردارند هم صورت معابد مانده برینم در ساقها و کتاب صبر اکرم برینم در سوره الرحمن
فردا در دنیا خبر و تو قوی ساری ایدت و غیا بر او با غیر در حق فضل اگر تکسر بود خداوند
لنا در نفس خج قیه و غیر از غیر در نفس است هم اندک غیر از غایت آن در اول نفس سردی

باز جنب صبرین در فساد چون صمدت آن در هم در کف است روح کلمه اوله
تکسر معابد مانده نفاختی همه در نفس در تقیام فعلت و در تکیه آن بر غیر است
خاکانه مشهوره ، آفات قوتش از جانب خواران هم معادن طهر و تقویم

تجیح با قرامات عابدی غایب روایت است خانیج این همان در پیش خط و صدق
ایات جللیه با غایب کان تنها صلح دهند در تمام مرتب سباب آنها را اینها ساقها
اصبر بر خدا در حق بطلب انظارند لیکن چون صبر کتب تربط بعضی آمان بود بعضی
ظنرا بیان برین است که اول است تمام دین بود آنه و حقن خدا نذر آن است
تجبر شود و بر عیبیت و ساقه بگذرد تا آله ، در خدمت رتب قرآن و اضلی نور و تقویم
در نه بعد بسیار در تقیام به غیر محرم می آید بسند آره است لیکن بلا بر نفس در این
که در این مذاکرات مسوقانه خوب است بین از خود در تقویم و چه طبع ترسوخ از معابد
عزیزم خدا و دیگر تقیامه به هم محرم پیشنهاد فرموده است در تمام اینها

در فصول این طرق و توابع بین فارسی و صفهان که فیما بین طول آن سید علی و او تا صفهان می رسد است
 و این فضا طراف صفهان را با فراد آن امر صدر و قات با این تیار استند نموده اند ساقا بکفر
 تربط فی جبر در این موضع و اتهام کار در دفع این عفت است و نظارت است و تمام محرم
 ز این ادبیه در قات است ایتم تمام تمام اما جبر از آن است که بقا است بخیر خود در خواسته دار
 و این دولت چنان بود را روا جازند است با هم تبارک است در همه سعادت خود هم فرموده و در تمام و با تمام
 در این جهت است که در جنوب یک مقدار قشون نظر صحیح با سردار یا کفایت پس از خدا کرده با کسرت
 و از این سبب است اوراق است در قوم که تربت و با نه جات رجه صلاح و مردم این امر را در
 و است افاقه و بیست است که در جنوب زه نظر تربت نسوه نماز بود و الهام حکم می آید هر گاه می بخشد



بسم الله الرحمن الرحيم

۲۵ شهر شعبان المعظم

۱۳۲۸

معروض می شود ، انشاء الله تعالی همواره مزاج محترم در کمال صحت و اعتدال و پیوسته در قیام به خدمات دینی و حمیت وطنیه بمزید تأیید مخصوص خواهد بود رقیه شریفه مورخه سلخ جمادی الثانیه رسید از سلامتی و مباری حالات شریفه مستحضر و مسرور شدم . صورت معاهده نامه شریفه را سابقاً جناب مستطاب اجل اکرم معزالسلطنه سردار ارفع دام تاییده فرستاده امخا احقر و تشویق سایر ایلات و عشایر را با تغییری در بعضی فصول اگر منتضی بشود خواسته بودند لهذا در فصل پنجم قید توضیحی افزوده در فصل ششم هم اندک تغییری در عبارت آن داده و امضای مشروحی نوشته برای مناب اجل ایشان فرستادم چون صورت آن را هم در نجف اشرف درج کرده بود لهذا همان ورقه متضمن معاهده نامه لفا " انفاذ شد امید که انشاء الله بمقام فعلیت و ترتیب آثار خارجه اقدامات وطن خواهانه مشهود گردد ، اقامت قوشون اجانب در ایران هم همان طوری که مرقوم فرموده محتاج با اقدامات عاجله عشایر و ایلات است چنانچه یک اجتماعی در یک نقطه واحد بین رؤساء ایلات جلیله با نمایندگان آنها صلاح دانند در مقام ترتیب اسباب آنها برآیند سابقاً " هم بسرکار اجل سردار ارفع اینمطلب اظهار شد لکن چون اصل مکتوب بتوسط بعضی آقایان بود و آنشخص در بصره نبوده ظاهر با ایشان نرسیده است علی کل حال یک اقدام دین پرورانه ، وطن خواهانه در اینباب واجب است تعجیل شود و بمرعوبیت و ماسهله نگذرد انشاء الله تعالی در خصوص ترتیب قرض داخلی شرحی که مرقوم فرموده بودید بسیار و سابقاً " هم به مجلس محترم ملی اینمطلب مذاکره شد لکن مطالب مترفه دیگر به میان آمد که این مذاکرات معوق ماند . خوب است همین شرحی را که مرقوم داشته بودید بتوسط جناب اجل حاجی محمد کریم خان وکیل محترم قشقای به مجلس محترم پیشنها فرموده جواب را رسماً " مطالبه فرمائید ، در خصوص نا امنی طرق و شوارع بین فارس و اصفهان که خیلی بطول انجامیده

علماء و اهالی اصفهان خیلی شکایت نوشته و ناامنی فعلیه اطراف اصفهان را با افراد آن ایل جلیل و رقابت با ایل بختیاری هستند. نموده بودند سابقاً " تلگرافی بتوسط جناب اجل سردار ارفع معروض و اتمام کامل در دفع این گفتشات و حفظ شرف ساحت و مقام محترم خودتان را از این اندیشها در خواست شده است البته مقام محترم عالی اجل از آن است که بر رقابت بختیاری خدای نخواسته برای وطن و ملت چنین امور را روا بدارند انشاء الله بتدارکات لازمه مبادرت خواهند فرمود و چه قدر لازم و با موقع است که از جانب هیئت اتحادیه جنوب یک مقدار قشون نظامی صحیح با سردار با کفایتی پس از مذاکره با مجلس محترم ملی و وزارت جلیله جنگ برای اقامت در خود مرکز تربیت فرمایند جهات موجه صلاح و لزوم این امر برای دولت و ملت و خاصه هیئت اتحادیه جنوب از نظر شریف مستور نخواهد بود.

والسلام علیکم الاحقر محمد کاظم الخراسانی عقی اله عنه
 این نامهها مربوط میشود به موقعیت ایل قشقایی در جنگ بین الملل و مساله بی طرفی ایران. داستان اینست که پس از جنگ بین المللی دولت ایران بلافاصله اعلام بیطرفی کرد، گروه بسیاری از ایرانیان این بیطرفی را مناسب موقع ندانستند و تصور میکردند که با طرفداری از آلمانها، برای نجات از جنگ روس و انگلیس موقعیت نازمای پیش خواهد آمد. در تمام ایران گروههایی که به ملیون معروف شده اند این نظر را داشته اند و در طهران نیز جمعی حتی احمدشاه را با این نظر موافق کرده بودند و قرار تغییر پای تخت به اصفهان هم داده شده بود که با تهدید انگلیس ها منتهی شد. ملیون ایران مجبور به مهاجرت شدند و در اصفهان و کرمانشاه پراکنده بودند و دولت موقتی به ریاست نظام السلطنه ترتیب دادند که البته به جایی نرسید، و با رسیدن قشون روس از شمال و هم چنین سپاه انگلیس از جنوب، اغلب به عثمانی و اروپا رفتند. نباید فراموش کرد که در ایران نیز گروه بسیاری طرفدار بی طرفی بودند که آنها را به طرفداری از انگلیسها متهم ساختند (از آن جمله مثلاً " در کرمان مرحوم حاج اکبر کر (صنعتی) چنین تزی داشت که داستان او در تاریخ کرمان آورده شده است) البته انگلیسها نیز با این تزهراهی داشتند، زیرا گمان می کردند که فعالیت

بمداران آلمان و مخالفین انگلیس در نتیجه اعمال آن، کاهش خواهد یافت. نامهای که در اینجا بنظر تان می رسد از طرف قنصلگری دولت انگلیس در شیراز مرحوم صولت الدوله نوشته شده و تقاضا کرده که به ملیون متمایل نشود. درین هقنصول انگلیس تاکید کرده که " بسیاری از مفرضین مفسد پیدا شده اند که برآف اراده مقدمه ملوکانه و اوامر دولتی سلوک نموده، اهالی را به نقض بی طرفی بریک و آنها را به طرف آلمانیان و عثمانی میلان دهند...

این همان بیطرفی است که مرحوم وحید دستگردی در مسقط معروف خود بنجک به آن ناخته و می گوید: مسلک بی طرفی در خور ایرانی نیست

اما این بی طرفی جز سوی ویرانی نیست
 - دیو شدن رسم سلیمانی نیست

مگر ایرانی از دوده ساسانی نیست
 کز فداکاری در راه وطن دارد ننگ؟

ن کشور اسلام ز خون رنگین است
 قلب پیغمبر ازین بی طرفی خونین است
 بخمارا که تقاعد ز جهاد آئین است

قطر دستار و شکم طول محاسن دین است
 دین اسلام صبر است از حبله و رنگ

نامه قنصل شیراز مورخ جمادی الثانیه ۱۳۳۳ قمری است (مه ۱۹۱۵ یک
 از شروع جنگ گذشته بوده است)

اندکی بعد، قشون انگلیس به بوشهر تاخت، بهانه آن نیز این بود که آلمانها بد داشتند با تحریک عشایر فارس خط تلگراف را قطع کنند، و عثمانیها از طریق بالنهرین و بصره تحریکاتی پدید آورده بودند. ظاهراً " صولت الدوله در مورد نقض بیطرفی از طرف انگلیسها، نامهای به آنها نوشته و گلایه کرده است و قنصل نیس در بوشهر، طی نامه ای دلائل این نقض بیطرفی را در طی نامه مفصلی به ست الدوله توضیح داد و اشاره به فعالیت های واسموس جاسوس آلمانی کرده است. قول می نویسد:

"... دوستدار مشاهده می‌کنم که مردم در ضمن صحبت از نقض بی طرفی ایران همیشه اشاره به حرکت دادن قونسول آلمان از بوشهر می‌نمایند، چرا مهاجمه بر آذر بایجان و کشتار هزاران نفوس بیگناه را ذکر نمی‌کند؟ یا از مهاجمه بر عربستان (مقصود خوزستان است) که باعث اتلاف بسیاری عساکر انگلیس و عشایر عرب اغوا شده را که در آن مهاجمه مدد کردند، شد حرفی نمی‌زنند؟

ظاهراً "صولت الدوله از انگلیسها خواسته بود که قشون خود را فراخوانند و خارج کنند، و قونسول می‌نویسد: "... اینکه در باب جلب قشون انگلیس ذکر می‌فرموده‌اند، وقتی که اتباع و مصالح انگلیس بدون آنها سالم باشند بر داشته و جلب خواهند گردید..."

این نامه به امضای میجر تریور قائم مقام بالیوز انگلیس و جنرال قونسول دولت بهیه در خلیج فارس نوشته شده است.

چنان می‌نماید که صولت الدوله در همین وقت با خضرخان رئیس عشایر تنگستان هم قسم و همراهش بود هاست که در جواب نامه او خضرخان نامه بسیار جالبی نوشته و مقدمات جنگ معروف تنگستانیه با انگلیسها فراهم آمده که متأسفانه به نایب‌دلی آنها انجامید.

خضرخان درین نامه می‌نویسد: "... در بوشهر ده هزار لشکر دارند، می‌گویند چهل هزار می‌آورند... صد هزار باشند، انشاء الله با کمی تفنگچی شکستشان می‌دهیم، اگر همه عالم با آنها جمع شوند فدوی با پنجاه نفر باشد از نیت خیر و قوت قلب انشاء الله فاتح هستم!..."

قشقائی‌ها درین مورد با مردم همراهی داشته‌اند، و دلیل آن اینست که ظاهراً "از طرف دولت مرکزی از خوانین قشقائی در مورد امنیت انگلیسها بازخواست شد و اسمعیل خان قشقائی سردار عشایر در جواب دولت تلگرافی مفصل کرد. وطنی آن یادآوری و تقاضای اخراج قشون انگلیسها را کرده و گوید: "... باید از دولتی که دعوی دوستی قدیم می‌نماید ملاحظات حفظ بیطرفی کاملاً منظور شود... اگر غیر ازین باشد چگونه امکان اطمینان برای فردی از افراد خواهد بود در مقابل این قشون؟ ... به علاوه از ورود این قشون گرفتار بلاهای مسریه و قحطی فوق -

الآنه و هتک ناموس و جان و مال شده ایم، چنانچه مصلحت دولت در اخراج آنها نباشد رعیت را چون و چرا نیست. صلاح مملکت خویش خردان دانند، ولی عموم را اطمینانی که درین مملکت یک روز توقف نماید نیست به‌خصوص این چاکر دولت را نقطه‌ای معین فرمایند که نورا "حرکت نماید یا معلوم باشد در جفاطاعت تا چه پایه خواهد بود. ۲۲ شعبان از پنج فرسخی شیراز فدوی اسبیل قشقائی."

چنان می‌نماید که بعداً "، قشقائی‌ها به عواقب سوء این همکاری دچار شده‌اند، آنها دخالت‌های فرمانفرما توانسته آنها را از خشم انگلیسها برهاند، با همه این انونسولگری دولت فخمیه انگلستان طی نامه‌ای از شاهزاده فرمانفرما خواسته است،

۱- نامدتی یکی از پسرهای سردار عشایر در شهر در خدمت حضرت اقدس الا باشد (گروگان)

۲- ده هزار پوندی که در بانک دارد باید قبض معا " به اسم حضرت والا و بنسولخانه باشد. (بلوکه اموال).

۳- سردار عشایر باید علی الحساب قناعت کند به اینکه در فیروزآباد بپند از سعید اختیاری)

این دستور مورخ ۱۷ رمضان ۱۳۲۷ و قبل از پایان جنگ بین المللی نوشته شده است.



پادشاهی متحده انگلیس
شیراز

مورخه ۱۵ ماه می ۱۹۱۵
مطابق ۱۳۳۳

فدایت شوره رقیمه مودت شمیمه جناب اجل عالی که از فرط التفات قلبیه بر قوم شده بود عز وصول بخشود خاصه که از سلامت مزاج مسرت متزاج حکایت مینمود. زاید الوصف مشعوف و متشکر گردیدم - در موضوع حالت حالیه و بیطرفی دولت علیه اشعار شده بود دوستدار نهایت با جناب اجل عالی هم عقیده هستم و البته ضمیر مودت تخمیر آگاه است که اظهارات دوستدار همواره از زمان اولین تلاقیم با جناب اجل عالی فقط تصمیمات صادقانه مشفقانه یعنی بجای اجل عالی و ترقی مملکت می بوده باین معنی که پیوسته ابقاء صلح و انتظام عشایر و حفظ اوامر اولیای مرکزی و صیانت اراده ملوکانه اعلیحضرت شاهنشاهی را سائل و آمل بوده ام و علاوه بر اینها تصمیماتی نداشته و ندارم و اینک باز تجدید اظهار میکنم که مخصوصاً در این اوان چیزی که برای جناب اجل عالی لزومیت دارد همانا احتیاط و تحفظ است زیرا بسیاری از مفروضین مفسد پیدا شده اند که برخلاف اراده مقدسه ملوکانه را اوامر دولتی سلوک نموده یا عیند اهالی را به نقض بیطرفی تحریک و آنها را بطرف آلمانیان و عثمانی میدان دهند و یا آنکه این اشخاص قصدشان ضدیت و خلاف رای اراده دولت است معذالک بی لگامانه در بسیاری از نقاط ایران علناً انتریکهای خود را در موقع اجرا گذارده قلوب عوام را تهییج میکنند ولی عموم اشخاص سیاسی مسئول ایرانی بخوبی آگاهند که یک دولت ضعیفی مثل ایران که دارای قشون منظم و پول و آذوقه جنگی و ذخیره و تجهیزات قشونی نیست امروزه امکان شمولیت در جنگ نهم با دول متفقانه نداشته و نخواهد داشت در اینصورت طریقه مستقیمه واقعی امروزه برای دولت علیه همان اراده ملوکانه است یعنی اتخاذ صلح و بیطرفی از جنگ و الهمت اشخاصیکه دوستدار ایرانند همین روش را بایستی اتخاذ نمایند و گروهی که برخلاف این مسلک سالک شوند یقیناً "محب ایران"

نونسولگری دولت فخمیه انگلیس

شیراز

مورخه ۱۵ ماه می ۱۹۱۵

مطابق سلخ شهر جمادی الثانیه ۱۳۳۳

فدایت شوره رقیمه مودت شمیمه جناب اجل عالی که از فرط التفات قلبیه بر قوم شده بود عز وصول بخشود خاصه که از سلامت مزاج مسرت متزاج حکایت مینمود. زاید الوصف مشعوف و متشکر گردیدم - در موضوع حالت حالیه و بیطرفی دولت علیه اشعار شده بود دوستدار نهایت با جناب اجل عالی هم عقیده هستم و البته ضمیر مودت تخمیر آگاه است که اظهارات دوستدار همواره از زمان اولین تلاقیم با جناب اجل عالی فقط تصمیمات صادقانه مشفقانه یعنی بجای اجل عالی و ترقی مملکت می بوده باین معنی که پیوسته ابقاء صلح و انتظام عشایر و حفظ اوامر اولیای مرکزی و صیانت اراده ملوکانه اعلیحضرت شاهنشاهی را سائل و آمل بوده ام و علاوه بر اینها تصمیماتی نداشته و ندارم و اینک باز تجدید اظهار میکنم که مخصوصاً در این اوان چیزی که برای جناب اجل عالی لزومیت دارد همانا احتیاط و تحفظ است زیرا بسیاری از مفروضین مفسد پیدا شده اند که برخلاف اراده مقدسه ملوکانه را اوامر دولتی سلوک نموده یا عیند اهالی را به نقض بیطرفی تحریک و آنها را بطرف آلمانیان و عثمانی میدان دهند و یا آنکه این اشخاص قصدشان ضدیت و خلاف رای اراده دولت است معذالک بی لگامانه در بسیاری از نقاط ایران علناً انتریکهای خود را در موقع اجرا گذارده قلوب عوام را تهییج میکنند ولی عموم اشخاص سیاسی مسئول ایرانی بخوبی آگاهند که یک دولت ضعیفی مثل ایران که دارای قشون منظم و پول و آذوقه جنگی و ذخیره و تجهیزات قشونی نیست امروزه امکان شمولیت در جنگ نهم با دول متفقانه نداشته و نخواهد داشت در اینصورت طریقه مستقیمه واقعی امروزه برای دولت علیه همان اراده ملوکانه است یعنی اتخاذ صلح و بیطرفی از جنگ و الهمت اشخاصیکه دوستدار ایرانند همین روش را بایستی اتخاذ نمایند و گروهی که برخلاف این مسلک سالک شوند یقیناً "محب ایران"

نبوده ، بلکه پیرو اغراض نفسانی خود می باشند و پیوسته ساعی و جاهدند
 که ایران را هم مانند عثمانی شامل جنگ کنند لذا اشخاص ذی نفوذی که
 اهمیت وقت را میدانند بایستی از استماع باین قبیل تحریکات اجتناب نموده
 پیرو نمایح و اوامر دولت متبوعه خود گردند . اینک اگر جناب اجل عالی
 این روش را طریقه مستحسنه پندارید یقیناً "خواهید دانست که آنچه دوستدار
 گفته و میگویم از روی صدق و عدالت و نصیحت مشفقانه و تصمیمات محبانه
 بوده و خواهد بود پیش از این خاطر مودت مآثر جناب اجل عالی را مصادعت
 ندهد پیوسته امیدوارم که این رشته و دادیه و تصمیمات مستحسنه محبانه
 باقی و برقرار بماند والسلام . (امضا)

بو شهر ۴ صفر ۱۳۳۴ مطابق ۱۲ دسامبر ۱۹۱۵



روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال چاپ علوم انسانی

[Faint bleed-through text from the reverse side of the page, including the words 'روشگاه علوم انسانی' and 'سال چاپ علوم انسانی']



H. M. Consulate General,
Bashire.

پوشهر ۴ صفر ۱۳۲۴ مطابق ۱۲ اریسبر ۱۹۱۵-

حضرت ذکیه کت صاحب بخت نواب احمد اکرم انجمن دولت ان استندار گزین معتمد محترم کا جس سورت امداد اور احتیاجیہ
میر میر شکرانہ دان حرکتہ الی

پس از تبیح مراسم ورودت تهنیت از ان صاحب و از احترامات شریف میورد

مگر ای رسد سراسر می برود محرم ۴ ۱۳۲۴ از جن

وصول انداز داشته از سادت و در شرف تخریر سرت و نباطی داد و دایره در کم انتقامات ای فرموده باشند -
در این برسود ای حضرتان که مشهور بشود که ریختنید از برای دست و انغم و بیاد از جانب دولت خود خودتین برسد
ای جنین است و در دست از برای ای جنین خود کی سزا بفرم که خدا است و امر از جانب امر که بشود که خلاف ورودت متوجه بود
و در خط ایست و در وقت و در رس از جنین است و در جهت است مشرف است که در امر خود رسید پس ای که در دار و در وقت
حسن سرت بین و بین و بین ایران و انگلیس برقرار و در وقت است قدس شد ای که است و فقط نه نشتر قمری و در وقت
دولت بیست و انگلیس اخلا و فرموده اند که غنم خود که کا ملا بر این قرار گرفته که در ابد حسند و در وقت و در قرار و در وقت که در
سنگم تریم بشوند - مشهور شد که در اجابت بند به بیطرفی ایران و نقض بیطرفی فرموده اند - همان بگرم برنگی مفید
احمال فرزند که یک طرف سواد و بیرون خوب امرت را رسانید اند -

مگر در جنین بر داد آگرت ۱۹۱۴ و سرت بر زمان ۱۳۲۴) حادث شده و در اجود بر داد می گوشتی که
دولت خود و مشرف در ترفین شکرانے بجا آورده که سرت و در بیطرفی است و در اجود در زمان این استندال مالک شکرانے معذک
که در ایستیک بر دولت و در اجود بر داد ۱۹۱۴ از دیکه بگرم بر رسال و طرف ای که در وقت کشیدند -
ایمان بطلب سرت نقض بیطرفی ایران از طرف متحدین شد ؟ خیر قرآن بگرم بر رسال و طرف ای که در وقت کشیدند -
و اجود در تمام از سرت و در رسال شکرانے نقض بیطرفی ایران ایستیک ایستیک ایستیک ایستیک ایستیک ایستیک ایستیک ایستیک
شکرانے بر قفقاز روس ساخت و در آنکه در ایستیک ایستیک ایستیک ایستیک ایستیک ایستیک ایستیک ایستیک ایستیک ایستیک

شاید استندال بجزایه سپول نقض بیطرفی ایران چه وقت شده ؟ ممکن است گفت چه وقت اقل
نقض روح بیطرفی ایران واقع شده و در وقت تر مغرب است که در ۱۹۱۳ (خرداد ۱۳۲۲) بین استندال
ایمان در طهران و قورنزل ایمان در ایستیک ایستیک ایستیک ایستیک ایستیک ایستیک ایستیک ایستیک ایستیک ایستیک
در سیر و در زمان بگرم بر رسال و در وقت ایستیک ایستیک ایستیک ایستیک ایستیک ایستیک ایستیک ایستیک ایستیک ایستیک



His Majesty's Consul General
Bashire.

فشنک توزیع میشود - تمام نیت تقض بلیطه ایران بود - کن اول اقدام عدلیه اظهار رضای بلیطه ایران ۲۰ ماه بعد که
دوم کیای شمانه به است الامان در دسیسیر ۱۹۱۴ (مطابق محرم ۱۳۳۳) بود - قاضی تقض بلیطه ایران این بود و نیز این زن بکجه
چون رویای ایران متوکل از دم تیغ گذرانیدند - نقشه از سیرین بلیطه ایران در یک قسمت دیگر ایران شد که یکی بود -
در آنجا که شمانه با است الامان در اعراب چپیک ربورت بن ایران بکرم آورده معزم بیک راه اردوی انگلیس و میسر
که اعتراض بلیطه ایران احتیاجی برای خنثی انست کرده بودند از عقب بیندند -

تصور کنیم تقض بلیطه ایران که است الامان فرموده این عبارت از حرکت دادن معنی الامان در حرکت و در شهر
باشد - اما از است حرکتی ان و نقل الامان سخت شغول محاسبه با شمانه بودند در وقتی که برای بکرم بچیان پیش رفتند و در آن
از ضروریات و اجتناب بود - اگر اول دولت علیه ایران این الامان را از تنه ارجحی شمانه بکرم بچیان ایران منع شد بودند
مردود بود که سوزین انگلیس اقدام کنند - آیا این امر انگلیس در دفاع از خودشان در بکرم معتقدند که مانع از تزیین باشند
مردود است بکنند؟

قریباً ۲۰ وقت مهاجر بر بورت بن و اصومس که اولی از انگلیس در سر محض بیک ایران متوکل به با موزونگر الامان
کرده باشند که از اردو روانه الامان از خلیج بشود و اول در آنجا بکرم بچیان استیقا از بکرم بچیان به مندا و فرستادند که بکرم بچیان
در ایران بر بلیطه انگلیس بشود - است الامان از راه پشت که بشود شمانه رسد و شمانه تقض بلیطه ایران که شمانه بکرم بچیان
تزیین و در آنجا بکرم بچیان که در بکرم بچیان الامان که قریب بکرم بچیان و در آنجا بکرم بچیان اعلام بکرم بچیان و بکرم بچیان
توزیع بکرم بچیان بود که شمانه بکرم بچیان استیقا از بکرم بچیان که در بکرم بچیان اعلام بکرم بچیان و بکرم بچیان
نرسیده در دولت اما اقدام تقض بکرم بچیان است الامان از بکرم بچیان که در بکرم بچیان اعلام بکرم بچیان و بکرم بچیان

از آنجا که ان حرکت سخط تقض بلیطه ایران و بایه خنثی بکرم بچیان را بکرم بچیان که در بکرم بچیان اعلام بکرم بچیان و بکرم بچیان
از حرکت و سی اولی از سر انگلیس متوکل شد که سوزین قرضولات الامان سعی بر تقض بلیطه ایران و تزیین
بها هم بر بکرم بچیان - حتی سفارت هم قرض بکرم بچیان است الامان از بکرم بچیان که در بکرم بچیان اعلام بکرم بچیان و بکرم بچیان
انقدر خواهد شد معنی بیک است الامان و تزیین بکرم بچیان است الامان از بکرم بچیان که در بکرم بچیان اعلام بکرم بچیان و بکرم بچیان
حرکت داده میشود در بکرم بچیان و است الامان از بکرم بچیان که در بکرم بچیان اعلام بکرم بچیان و بکرم بچیان

در است الامان بدین معنی که تمام تقض بلیطه ایران همیشه است الامان از بکرم بچیان که در بکرم بچیان اعلام بکرم بچیان و بکرم بچیان



His Majesty's Consul General
Bashire.

تو بکرم بچیان - چرا هم بر بکرم بچیان که است الامان تقض بلیطه ایران بکرم بچیان که در بکرم بچیان اعلام بکرم بچیان و بکرم بچیان
در سی که انگلیس است الامان از بکرم بچیان که در بکرم بچیان اعلام بکرم بچیان و بکرم بچیان
تقسیم بلیطه ایران بود که تقض بکرم بچیان است الامان از بکرم بچیان که در بکرم بچیان اعلام بکرم بچیان و بکرم بچیان

بسیار است الامان از بکرم بچیان که در بکرم بچیان اعلام بکرم بچیان و بکرم بچیان
تقسیم بلیطه ایران بود که تقض بکرم بچیان است الامان از بکرم بچیان که در بکرم بچیان اعلام بکرم بچیان و بکرم بچیان
تقسیم بلیطه ایران بود که تقض بکرم بچیان است الامان از بکرم بچیان که در بکرم بچیان اعلام بکرم بچیان و بکرم بچیان

و اما است الامان از بکرم بچیان که در بکرم بچیان اعلام بکرم بچیان و بکرم بچیان
تقسیم بلیطه ایران بود که تقض بکرم بچیان است الامان از بکرم بچیان که در بکرم بچیان اعلام بکرم بچیان و بکرم بچیان
تقسیم بلیطه ایران بود که تقض بکرم بچیان است الامان از بکرم بچیان که در بکرم بچیان اعلام بکرم بچیان و بکرم بچیان

است الامان از بکرم بچیان که در بکرم بچیان اعلام بکرم بچیان و بکرم بچیان
تقسیم بلیطه ایران بود که تقض بکرم بچیان است الامان از بکرم بچیان که در بکرم بچیان اعلام بکرم بچیان و بکرم بچیان
تقسیم بلیطه ایران بود که تقض بکرم بچیان است الامان از بکرم بچیان که در بکرم بچیان اعلام بکرم بچیان و بکرم بچیان

این رسوب بکرم بچیان است الامان از بکرم بچیان که در بکرم بچیان اعلام بکرم بچیان و بکرم بچیان



H.M. Consulate General,
Bushehr.

بعض اندوستان استغفار عظم رسد - رئیس گوانچی نه گوانف و اصد از طران بجزان خراب اصد علی هر دستار سپرد
با این قاصدانه و خدمت و شرکت داشت - فرصت یافتند و آنه احترامات فایده خود را نسبت با بزرگان استغفار
شوق مکتوم تبلیغ و تکمیل نماید -

بجز تر بود

قایم مقام با دین و خیر و خیرال دوزل و دولت برید در خلیج فارس

Major,

Deputy Political Resident in the Pers. Gulf
and H.E.'s Consul-General for Fars etc.

پرتال جامع علوم انسانی

خدمت ذیشوکت جناب جلالت نصاب اجل اکرم افخم دوستان
استظهار مشفق معظم محترم آقای صولت الدوله سردار عشایر ایلخانی
ایل جلیل قشقائی دامت شوکت العالی
پس از تبلیغ مراسم مودت و استفسار از صحت وجود عالی مزاحم
اوقات شریف میگردید گرامی مراسله سامی مورخه ۲ محرم ۱۳۳۴ زینت وصول
ارزانی داشته از سلامت وجود شرافت نمود مسرت و انبساط روی داده و
امیدوارم که انتظامات ایلی فرموده باشند.

در این مراسله حالیه حضرتعالی شهود میشود که میفرمائید از برای
استرداد نظم باید اوامر از جانب دولت متبوعه خودتان برسد بلی چنین
است و دوستدار هم گاهی چنین تصویری نخواهند کرد که خواستار امری از
جناب اجل عالی بنوم که خلاف امر دولت متبوعه عالی باشد. بملا حظه
اینکه استرداد نظم در فارس از ضروریات واجبه شده است منتظر هستم که
اوامر قبلا "رسیده باشد" کمال و داد و نهایت حسن مودت بین دولتین
علیتین ایران و انگلیس برقرار و اعلیحضرت اقدس شهریاری شاه فقط پنج
شش روز قبل بجناب وزیر مختار دولت بهیه انگلیس اظهار فرموده اند که
عزم ملوکانه گاملا "بر این قرار گرفته که روابط حسنه و دادیه را برقرار و
امیدوار هستند که حتی مستحکم تر هم بشوند - شهود میشود که مراجعاتی
چندبه بیطرفی ایران و نقض بیطرفی و غیره فرموده اید - گمان میکنم برخی
مفسدین اعمال غرض کرده یک طرف مسئله را بعرض جناب اجل عالی رسانیده اند
محاربه عظیم در ماه اگست ۱۹۱۴ (مطابق رمضان ۱۳۳۲) حادث شد
و با وجود هرگونه سعی و کوششی که دول متحده عظمی در ترغیب عثمانی
بجا آوردند که مصلحت او در بیطرفی است و با وجود ضمانتشان از استقلال
ممالک عثمانی معذک گمراهانیکه بر دولت بایعالی حکم فرما بودند در ماه
نومبر ۱۹۱۴ (ذیحجه و محرم پارسال) مملکت را در طرف آلمان در جنگ
کشیدند -

آیا این مطلب سبب نقض بیطرفی ایران از طرف متحدین شد؟ خیر
قشون انگلیس در شطالعرب پیش رفته و بصره را تمام از سمت رود و ساحل

عثمانی تصرف نمود بدون اینکه ابتدا "بر خاک ایران قدمی بگذارند - به همینطور هم عساکر عثمانی بر قفقاز روس تاخت و تاز کرده و روسها حتی مستحقین قنصل خانه و غیره را از آذربایجان برداشتند -

شاید سؤال بفرمائید پس اول نقض بیطرفی ایران چه وقت شد ؟ ممکن نیست گفت چه وقت اول نقض روح بیطرفی ایران واقع شد ولی در دفاتر مضبوط است که در ماه سپتمبر ۱۹۱۴ (شوال ۱۳۳۲) بین سفارت آلمان در طهران و قنصل آلمان در اینجا مکاتبه شده بود که یک از رؤساء تنگستانی را که سپس به دست قضا و قدر به جزای خود رسید بیارند تا بر انگلیسان بوشهر حمله آورد و نیز سیم ورشته تلگراف انگلیس را قطع کنند و هم ترتیب میداند که قوافل اسلحه و فشنگ توزیع بشود - تمام اینها نقض بیطرفی ایران بود - لکن اول اقدام علانیه آشکار بر خلاف بیطرفی ایران همان مهاجمه عساکر و چریکهای عثمانی بدلالت آلمانها در دسامبر ۱۹۱۴ (مطابق محرم و صفر ۱۳۳۳) بود - فاحشترین نقض بیطرفی ایران این بود و هزاران زن و بچه بیچاره رعایای ایران مهتوک و ازدم تیغ گذرانیدند - نقض ثانی مبرهن بیطرفی ایران در یک قسمت دیگر ایران شد که بگلی علیحده بود در آنجا عساکر عثمانی با مستشاران آلمانی بمدد اعراب چریک بر عربستان ایران هجوم آورده بعزم اینکه راه اردوی انگلیس را در بصره که احتراماً "به بیطرفی ایران احتیاطی برای حفظ آنست نکرده بودند از عقب ببندند تصور میکنم نقضهای بیطرفی را که اشاره بآنها فرموده اید عبارت از حرکت دادن بعضی آلمانها در عربستان و بوشهر می باشد - اما از بابت عربستان آن دونفر آلمانی سخت مشغول مکاتبه با عثمانیها بودند در موقعی که برای هجوم بر انگلیسان پیش میرفتند و از انتقالشان از ضروریات واجب نظامی بود - اگر اولیاء دولت علیه ایران این آلمانها را از تهیج اردوی عثمانی به هجوم بر خاک ایران مانع شده بودند ضرورتی نبود که مامورین انگلیس اقدام بکنند - آیا اولیاء امور انگلیس در دفاع از خودشان در همچو مقدمه که مانع از مزید فساد شده اند مورد ملامت هستند ؟ -

قریباً " در همان وقت مهاجمه بر عربستان واصموص (که اولیاء امور

انگلیس در مصر محض اینکه ابراز محبتی به مامور قونسولگری آلمان کرده باشند گذاردند روانه آلمان از خلیج بشود و او را در آنجا نگاه نداشتند) مستقیماً از برلین به بغداد فرستاده شد که مهیج فتنه و فساد در ایران بر خلاف انگلیس بشود - مشارالیه از راه پشت کوه بشوشتر آمده رساله های ضد انگلیس را توزیع و کوشش میکرد که ملایان وضع را ترغیب یا رشوه بدهد که در جانب داری آلمان که ملتی بیمذهب و ظاهراً " از انسانیت بیخبر است اعلان جهاد کنند و پول و اسلحه را توزیع میکرد و ساعی بود که عشایر را بر انگلیسان بشوراند . خطی که واصموص پس از حرکت از بهبهان به قونسول آلمان در بوشهر نوشته و در دست ما افتاد متضمن بر اینست که امیدوار است خضر تنگستانی را بر انگلیسان بوشهر بشوراند و اسلحه برایش بدست آورد -

از آنجائیکه این حرکت مطلقاً " نقض بیطرفی ایران و مایه خطر بود کوششی برای گرفتاری وی شد ولی فرار کرد - از حرکات وی اولیاء امور انگلیس ... (؟) شدند که مامورین قونسولات آلمانی ساعی به نقض بی طرفی ایران و تهیج عشایر بمهاجمه بر انگلیسانند - حتی سفارت هم قبل از تبعید آلمانها از بوشهر به قونسولات آلمان وعده میداد که در فصل بهار در تمام ایران انقلاب خواهد شد محض اینکه متحداً " بر مامورین و اتباع انگلیس در تمام مملکت مهاجمه بشود - این بود که لازم شد قونسول بوشهر حرکت داده بشود و بپراهین واضحه مدلل شد که بر خلاف بیطرفی ایران دسیسه میکرد دوستدار مشاهده میکنم که مردم در ضمن صحبت از نقض بیطرفی ایران همیشه اشاره بحرکت دادن قونسول آلمان از بوشهر مینمایند - چرا مهاجمه بر آذربایجان و گشتار هزاران نفوس بیگناه را ذکر نمیکنند یا از مهاجمه بر عربستان که باعث ائتلاف بسیاری عساکر انگلیس و عشایر عرب اغوا شده را که در آن مهاجمه مدد کردند شد حرفی نمیزنند ؟ - این حملات تطبیق ناپذیرنه فقط نقضهای عظیمتر بیطرفی ایران بود بلکه حتی مقدم بر انتقال قونسول موصوف صورت وقوع پذیرفت -

سبب اینکه اینگونه اشخاص هنگام گفتگو از نقضهای کمتر نقضهای بزرگتر

را ذکر نمیکنند اینست که این مطالب را برای اغراض شخصی خود بکار می-برند که تولید شورش در ایران و تهییج نفرت از متحدین میباشد - اولیاء دولت علیه ایران و ابالت فارس و اعیان چه اقدامی کردند که جلوگیری نمایند از اینکه خاک بیطرف ایران جولان گاه و کلا میدان دسایس و سازشهای آلمانی بشود که نسبت بانگلیسان ساکنین در ملکشان بسیار مضر بود؟

واقعات بعد با نهایت بیرحمی و شدت حادث شد - روساء جزئی مثل غضنفر السلطنه زایر خضر شیخ حسین و رئیس علی بترغیب نقدینه آلمانی و بعد دالاحه و فشک جرمنی بگفته "وظایف دولتی را بعهده گرفته و از حرکت دادن قونسول آلمان که ربطی بآنها نداشت و مربوط با دولت ایران بود مواخذه کردند - مشارالیهم اولاً "تهدیدها جمه بر بوشهر کرده و بعد عملاً" مهاجمه و حمله کردند و دولت انگلیس مجبور شد پاره عساکر بیشتر پیاده کند که حفظ اتباع و مصالحش نمایند. عشایر متخاصم ضمن یک حمله دونفر صاحب منصب انگلیسی را کشتند و دولت انگلیس هم بسبب اعتراض و برسم پروتست از این عمل شنیع و از ماطله دولت ایران بوشهر را تصرف نمود - اما به مجردیکه دولت ایران قبول بجبران کرد بوشهر هم مسترد شد و وعده هم داده شد که بمجردیکه برداشتن قشون امن باشد قشون هم برداشته می-شوند.

اینکه در باب جلب قشون انگلیس ذکری فرموده اند وقتی که اتباع و مصالح انگلیس بدون آنها سالم باشند برداشته و جلب خواهند گردید - آیا خیال میفرمائید که با وجود جمعی عشایر متخاصم معاند و اینها تیکه خود را مجاهدین نامیده اند بفاصله پنج فرسخ از بوشهر اتباع و مصالح انگلیس در صورت برداشتن قشون سالم باشند در حالیکه ژاندارمری علناً "از دولت ایران یا غی و نوکر آلمانها بپند؟ اگر چنین خیال میفرمائید افسوس دارم که دوستدار متفق الرای نیستم ولی همانطوریکه قبلاً "عرض کرده ام وعده به دولت ایران داده شده است و اگر دولت ایران بیطرف بماند و وعده خود را در تنبیه مقصرینی که خلاف اوامر دولتی نموده و گنون از احکام دولت سرپیچ هستند بجا آورد آن وعده هم وفا خواهد شد -

این وسیله بسیار بطول انجامید ولی صلاح بنظر میآید که طرف دیگر مسئله نیز که گویا خاطر عالی از آن بیخبر بود بعرض آندوستان استظهار معظم برسد - رئیس تلگرافخانه واصله از طهران بعنوان جناب اجل عالی بدو ستدار سپرده با همین قاصد انفاذ خدمت ذیشوکت داشت - فرصت را غنیمت دانسته احترامات فایقه خود را نسبت بآندوستان استظهار مشفق محترم تبلیغ و تجدید مینماید -

میجر تریور

قایم مقام. بایوز انگلیس و جنرال قونسول

دولت بهیه در خلیج فارس

Major.

Deputy Political Resident in the per. Gulf
and H.B.M.s Consul-General for Fars etc.

زبان مبارکت کردم نهادن کا مائه برکت بر سر دستم ۲۲ ذی قعدة بزیارت
 دست خط مبارک شرف و مغرارد بر سر دستم بقیقه برار استخفاف
 لا انظف بظلم ولا اسال الله رولنه کرده عا باشد انظف بظلم
 رلاه کنده و از طریق که در صوبه آنند از طرفه فایان خبر جنگ رفت
 در بوندره نذر شد داره میگویند چهار دره آورند در بعضی شرفه
 در میان کنگور که تنگ نایب که زو بگذرند صد زده شنبه آتش که
 با کتفیکر نکتنا ۱۰ بیهم اگر همه عالم با آنها جمع خیر قدری
 بنام نغزند از نیت خیر و قوت قلب است و نام فایان است اینکه
 آنها ظاهر بزبان قانونی میگویند و ابرو یک کلمه راست از زبان
 نکرده و یک جور انصاف نزارند و ظلم میکنند مثل اینکه بانج در بوندره
 کرده تمام عمارت بنا و غیره هر چه فایان در دروازه شهر قدس
 تا زبان و غیره فایان بر سر دستم از آنها انظف بظلم
 هر که رسیده و نام خط عمارت نیستی فعلا و انظف بظلم
 و حال آه منم کردم که بوندره نذر اعمال دارد در روز دیگر جنگ بران
 آن در کلام اطباء دارم منجی با ما شهر و از نیت خیر و انظف بظلم
 کم هر که خیر از نیت مردم در کنتن مردم دارم چه منجی نم
 نکت و اگر دریم ده نذر بره هر چه شمی از دست میگویند
 عبور و هر چه غنیمت فقر نفس حفظ ابرو او دست
 در از نکتکم کم اگر نکت فنگر سر نکتند خود گرفتیم این دارم

در بعضی جا از آن و انصاف آورد اگر در شمی منم کردم که هم کلف و غمرا عمارت نکتکم با نکتست انظف بظلم

گرفتند کنت یک نکت قدرت دارد باین پیش نهاد اگر با
 نکتکم طور متا بد شعوم آخر کار منجی از قدره عا و نکت فتح
 از تمام ماله دنیا بیشتر است که از قوا و ثورت الهی است
 که انظف بظلم باین فایان که مانده جنگ گذشته هر که
 با مردم نکت با نکت قوت غدا مال تر از همه قوا
 تا بتوانی هر روز مردم حفظ کن و لو هر شمی
 منجی از خدا نکت که هر شمی غمرا و شرمند که زیر دست
 هزار امه نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت نکت

قربان حضور مبارکت کردم انشاء الله تعالی سایه مرحمت بر سر فدوی
 کم بیاد ۲۲ ذی قعدة بزیارت دست خط مبارک مشرف و مفتخر گردید سرفراز
 شدیم تعلیق برای استحضار سرکاران آقایان غضنفر السلطنه و آقای سالار
 اسلام روانه گردید جويا باشید انگلیسی ها بنای خطه راه آهن گذاشته
 و از طریق تعدی جلو می آیند از طرف قدویان خیر جنگ رفت در بوشهر
 ده هزار لشکر دارند میگویند چهل هزار می آورند اگر بعضی پیشرف مانند
 محمد علی خان کشکولی که ننگ تاریخی سکه رو بگذارند صد هزار باشند
 انشاء الله که با کمی ننگچی شکستان میدهم اگر همه عالم با آنها جمع
 شوند فدوی با پنجاه نفر باشد از نیت خیر و قوت قلب انشاء الله فاتح هستم
 اینکه آنها ظاهرا "بزبان قانونی میگویند ولی ایدا" یک کلمه راست از

نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

اداره تلگرافی دولت علیه ایران
 از : شیراز به طهران
 نمره ۴۱۲۵ - ۱۸۸
 عدد کلمات ۵۲۷
 تاریخ اصل مطلب روز ۱۳ جوزا

مقام منبع حضرت اشرف اعظم ریاست ورزا دام شوکه تلگراف مبارک
 زیارت جناب مستطاب اجل اکرم آقای قوام الملک مدظله هم تلگراف مبارک
 را توسط جناب مستطاب آقای منتصر الملک دام اقباله ارسال داشتند آنکه
 امر شده است حتی الامکان جلوگیری از شورش عمومی نماید وقایع را سابقا
 عرض نموده اگرچه مایوسم که رسیده باشد و رسیدن این عریضه را هم امیدی
 نیست ولی باز ناچار بعرض است مدتها است که این قشون در فارس فعال
 مایشاء و آنچه توانسته اند بهر جای فارس صدمه ناموسی و حیاتی و مالی
 رسانیده اند چیزیکه جلوگیری چاکران و عموم ملت بود همان بی اطلاعی از
 مشی دولت متبوعه خود تا موقعی که از طرف دولت علیه اخطار شد که این
 قشون ۰۰۰۰ (؟) بر شدت تعدیشان افزود یک تیره از ایل دره شوری وارد
 حوالی خان آیتان شده چند نفر میروند برای معامله آنها را در کاروانسرا
 توقیف خبر می دهند اردواز شهر با توپها میرسد بگتتا "اطراف این احشام
 را گرفته ولایزه بی قانونی و وحشی گری و غارت را مینمایند فدوی هم از طرف
 ایالت جلیله حکم شد بدون تامل از فیروز آباد حرکت کرده به پنجفرسخی
 شهر رسیدم با ایالت جلیله در مذاکره بودیم که بیخبر پیش از صبح با تمام
 اردو و توپخانه کشیدند برای منزل فدوی که شرح آن البته بعرض اولیا امور
 رسیده است این دو فقره اقدام از طرف حضرات شده است از اینطرف تا
 کنون مبادرتی نشده است این قشون و این هیجان منحصر به قشقایی نیست
 تمام ملت فارس به حرکت و هیجان دیده جان بلب و گارد با استخوان رسیده
 برای اطاعت امر دولت و حفظ ناموس و وطن حاضر شده جلوگیری از قوه
 فدوی و امثال فدوی غیر میسور نقدا "چیزیکه موفق شده ام اگر از آنطرف حرکتی
 نشود از اینطرف اقدامی ننماید تا شرح حال عموم را بهیئت دولت عرض

نماید که از خاکبای ملوکانه تکلیف قطعی این ملت شاه پرست را معین و حکم
 فرمائید عرض را استدعای عموم اولاً "این است در صورتیکه دولت متبوعه
 بی طرف است باید از دولتی که دعوی دوستی قدیمه می نماید ملا حظات حفظ
 بیطرفی گاملا " منظور شود از آنطرف هم ایالت جلیله و چاکران دولت با مر
 دولت در آسایش قونسولخانه و بانک بگوشند و اگر غیر از این باشد چگونه
 امکان اطمینان برای فردی از افراد خواهد بود که در مقابل این قشون مطمئنا
 هرکس متفرق و بشغل رعیتی خود باشند بلا و از ورود این قشون گرفتار
 بلا های مریه و قحطی فوق الطاقه و هتک ناموس و جان و مال شده هم چنان
 چه مصلحت دولت در اخراج آنها نباشد رعیت را حق چون و چرائی نیست
 صلاح مملکت خویش خسروان دانند ولی عموم را اطمینانی که در این مملکت
 یکروز توقف نماید نیست خصوص این چاکر دولت را نقطه ای را معین فرمایند
 که فوراً "حرکت نماید تا معلوم شود درجه اطاعت تا چه پایه خواهد بود
 استدعا مینماید که جواب قطعی یا نشانی هر قدر زودتر مرحمت شود .
 که با این اجتماع و ازدهام (گدا) فوق تصور میرسد رشته از کف
 بیرون رود ۲۲ شعبان از پنج فرسخی شیراز فدوی اسما عیل قشقایی .
 (مهر) سواد مطابق اصل است .

شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی



اینکه در این کتاب...
 واد بر اسرار...
 مورخه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۷

حضرت شیخ ابوالحسن علی بن ابی طالب علیه السلام

در باب کارنامه و احوال حضرت قدس سره...
 فرموده است که در این کتاب...
 خود آن را با کسر و اعراب...
 بر حسب خواست حضرت دال بر اعمال...
 باادعای خود است...
 باادعای خود است...

- (۱) تا مدت یکی از هر بار...
- (۲) هزار و پنجاه...
- و نام هر این دگر را بنام...
- در وقت گرفتن این...
- (۳) فقط سر را عفت...
- تکفیر خود رسیده...

تصحیح و تصحیح...
 ۱۳۳۷



ایالات فارس و بنادر

مراسله قونسولگری دولت فخریه انگلیس

مورخه ۱۷ رمضان

۱۳۳۷

نمره ندارد

حضرت مستطاب اقدس والا پرنس فرمانفرما ایالت جلیله فارس و بنادر در باب کار سردار عشایر که حضرت اقدس والا با ستحضار دوستدار اقدام در اصلاح فرمودید دوستدار این مراسله را می‌نویسم که بتوانید به مستند همین کاغذ قراردادهای خودتان را با سردار عشایر کتبا "با مفاء رسانیده و اطمینان بدهید که دولت انگلیس بر حسب خواهش حضرت والا از اعمال گذشته او صرف نظر در این باب من بعد با او حرفی نخواهد داشت بشرط اینکه شرایط ذیل را مرعی دارد.

(۱) تا مدتی یکی از پسرهای او در شهر در خدمت حضرت اقدس والا باشد.

(۲) ده هزار پیوندی که در بانگ دارد باید قبض معا" به اسم حضرت والا و قونسولخانه باشد و تا دو سال این وجه را نباید سردار عشایر بخواهد و حضرت والا هم از بانگ نگیرد در وقت گرفتن این وجه از بانگ باید امضای قونسول خانه و حضرت والا را معا" باشد.

(۳) فقط سردار عشایر باید علی الحساب قناعت کند باینکه در فیروز آباد بماند با ملاک شخصی خود رسیدگی کرده و مداخله در امورات قشائی ننماید احترامات فائقه را در این موقع تجدید می‌نماید.

امضا

سواد مطابق اصل است (مهر) کابینه ایالت فارس

از اسناد مهم افتخار آمیز خانواده قشقایی ، سندی است که در باره همکاری این ایل و سران آن به خط مرحوم دکتر محمد مصدق تنظیم شده است . قشقائیهام نامدتها بعد از کودتای مرداد ۱۳۳۲ شمسی مقاومت داشتند و همین مقاومتها موجب گرفتاریهای بیشمار و تبعید سران و محرومیت ایل شد .
 اصل گواهی نامه بخط مرحوم دکتر مصدق و به تاریخ نهم مرداد ماه ۱۳۳۱ یعنی یک سال قبل از کودتای ۱۳۳۲ شمسی است .

مخفی ناماد که عصر روز چهارشنبه چهارم اردیبهشت ۱۳۳۰ جناب آقای خسر و قشقایی نماینده محترم دوره ۱۶ تقنینیه این جانب را از تشکیل دولتی بنفع سیاست بیگانه مستحضر نمودند و روز بعد این جانب در جلسه علنی مجلس شورای ملی اعلام خطر نموده و تصمیم گرفتم نه ماده پیشنهادی خود راجع به اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت هر چه زودتر تصویب شود گذشته از اینکه ایشان عضو کمیسیون نفت مجلس شورای ملی بودند و رای موافق دادند در تصویب آن نیز با این جانب کمک بسیار نمودند و همان روز از تصویب کمیسیون گذشت - اطلاعاتی که داده بودند بوقوع پیوست و روز جمعه ششم دولت استعفا کرد و روز شنبه هفتم مجلس شورای ملی به پیروی از افکار عمومی این جانب اظهار تمایل نمود و از آن بعد نیز برادران محترم قشقایی یعنی جناب آقای ساتور ناصر و جناب آقایان محمد حسین و خسرو نمایندگان مجلس شورای ملی استصحاب نموده هر گونه کمک با دولت این جانب خودداری نمودند لذا بدینوسیله تشکر انبریکات خود را به این خاندان که وطن پرستی را از پدر بزرگوار خود به امانت برده اند تقدیم میکنم و از خداوند مسئلت دارم کماکان بخدمت وطن نیز موفق و کامیاب گردند .
 نهم مرداد ماه ۱۳۳۱ دکتر محمد مصدق

مخفی ناماد که عصر روز چهارشنبه چهارم اردیبهشت ۱۳۳۰ جناب آقای خسر و قشقایی نماینده محترم دوره ۱۶ تقنینیه این جانب را از تشکیل دولتی بنفع سیاست بیگانه مستحضر نمودند و روز بعد این جانب در جلسه علنی مجلس شورای ملی اعلام خطر نموده و تصمیم گرفتم نه ماده پیشنهادی خود راجع به اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت هر چه زودتر تصویب شود گذشته از اینکه ایشان عضو کمیسیون نفت مجلس شورای ملی بودند و رای موافق دادند در تصویب آن نیز با این جانب کمک بسیار نمودند و همان روز از تصویب کمیسیون گذشت - اطلاعاتی که داده بودند بوقوع پیوست و روز جمعه ششم دولت استعفا کرد و روز شنبه هفتم مجلس شورای ملی به پیروی از افکار عمومی این جانب اظهار تمایل نمود و از آن بعد نیز برادران محترم قشقایی یعنی جناب آقای ساتور ناصر و جناب آقایان محمد حسین و خسرو نمایندگان مجلس شورای ملی استصحاب نموده هر گونه کمک با دولت این جانب خودداری نمودند لذا بدینوسیله تشکر انبریکات خود را به این خاندان که وطن پرستی را از پدر بزرگوار خود به امانت برده اند تقدیم میکنم و از خداوند مسئلت دارم کماکان بخدمت وطن نیز موفق و کامیاب گردند .
 نهم مرداد ماه ۱۳۳۱ دکتر محمد مصدق

گناه علوم انسانی و مطالعات
 رتال جامع علوم انسانی

مخفی ناماد که عصر روز چهارشنبه چهارم اردیبهشت ۱۳۳۰ جناب آقای خسر و قشقایی نماینده محترم دوره ۱۶ تقنینیه این جانب را از تشکیل دولتی بنفع سیاست بیگانه مستحضر نمودند و روز بعد این جانب در جلسه علنی مجلس شورای ملی اعلام خطر نموده و تصمیم گرفتم نه ماده پیشنهادی خود راجع به اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت هر چه زودتر تصویب شود گذشته از اینکه ایشان عضو کمیسیون نفت مجلس شورای ملی بودند و رای موافق دادند در تصویب آن نیز با این جانب کمک بسیار نمودند و همان روز از تصویب کمیسیون گذشت - اطلاعاتی که داده بودند بوقوع پیوست و روز جمعه ششم دولت استعفا کرد و روز شنبه هفتم مجلس شورای ملی به پیروی از افکار عمومی این جانب اظهار تمایل نمود و از آن بعد نیز برادران محترم قشقایی یعنی جناب آقای ساتور ناصر و جناب آقایان محمد حسین و خسرو نمایندگان مجلس شورای ملی استصحاب نموده هر گونه کمک با دولت این جانب خودداری نمودند لذا بدینوسیله تشکر انبریکات خود را به این خاندان که وطن پرستی را از پدر بزرگوار خود به امانت برده اند تقدیم میکنم و از خداوند مسئلت دارم کماکان بخدمت وطن نیز موفق و کامیاب گردند .
 نهم مرداد ماه ۱۳۳۱ دکتر محمد مصدق

این نامه از سید عبدالحسین لاری است، او در لاری قیامی مذهبی کرد و قنونی بنام "قشون اسلامی" تشکیل داد و مدتها سرزمین لاری را تا حوالی سیرجان زیر نفوذ داشت. سید عبدالحسین نیز مقاومت در برابر انگلیسها را شعار خود قرار داده و مبارزات سخت پیش گرفت. سید عبدالحسین از جهت امور مذهبی نیز سخت گیر بود.

درین نامه سید عبدالحسین از رئیس ایل قشقائی "برای جلوگیری از ابالیس انگلیس، شب خون زدن و بلوی کردن و راه بستن و اقل اقل اعانت و سروسات (سوروسات) نرساندن" را تقاضا کرده است.

سرور لاریم رهبر
بدره و عورت عدل و امانت شکست خیزان

بشما مقدم مبارز و تیغ رسالم و امر احوالت دارم که هر چه زودتر

حسین علی بیگ شاعر نجیب شهر و قشون سرور و امانت صاحب

و اعانت کفرت جبهه تبیین بلای در جبهه و ناسرور خون در اقل

بخواند و جبهه غمناک لاری و جبهه بر سر و در ایستاد

صدور حال در این امر و در این افرامان عورتانه تراز و تراز

و در این جبهه و جبهه تا بدین که سلطنته موافق ابا و در

تا بجز در اعتبار و بندگی ناسرور ابراهیم در جبهه سلطنته کم در

مطالعات فریبگی
رتال جامع علوم انسانی

۱۳۲۲

سردار کرم آمد اقباله العالی بعد از طی دعوات عالیات و ادای
 نشکرات جناب آقای عمده السادات دام عزه بشارت قدوم مبارک و تبلیغ
 رساله را مراهورات و اوامر مطاعه گماهو حقه رسانده داعی حسب الامر مطاع
 شرعی آنچه تکلیف شرعی و وظیفه اسلامی و اطاعه صاحب شریفه و اعلی
 حضرت حجه (ع) بوده تبلیغ بلیغ به هر کس و به هر جا نموده و تا آخر قطره
 خون در اقدامات مجدانه و مجاهدات غیورانه ساعی و جاهد بوده وهستم
 و امید ورم به مواعید صادقانه خدا و رسول و امام عصر (ع) در این اقدامات
 غیورات تلافی و تدارک مافات و دوام دولت و ریاست و احیاء قابلیت و سلطنه
 موروثی و آباء و اجدادی تاریخی در اعقاب و نیک نامی تا ابد الدهر حیات
 سلطنه گردد انشاء اله حکمه بلقمان و قطره بعمان چه حاجه بییان چونکه لازم
 ست لطفعلی خان یا سرداران بهار لوروانه کوهستان فرک سببه با فرمان جلو
 تیری بهر کس بهر جا که راه نوار و جای فرار از هر گوشه و کنار و وعده های جزیله
 بلوکنه به ایشان داده از غنائم دارالکفر و منصب و عنایات و غنائم به
 همچنین برسا (روسا) جهرم؛ شیراز فوراً " تحریص و فرمان داده به همچنین
 مگر سیر به همچنین بعضی روسا سنی از گماشتگان سرکار با فرمان اکید فوراً "
 امور... (؟) بنادر لنگه عاسی فرموده برای جلوگیری و تحریک مواد جلو
 جری از ابالیس انگلیس و شب خون زدن و بلوی کردن و راه بستن اقل اقل اعانت
 سروسات نرساندن به آنها کافی در قمع و قلع آنها العاقل یکفیه و بهر کس
 بهر جا که اعلان حکم شرعی العمل لازم دارند بفرمائید بمنشیان مرقوم
 دارند کورسال داشته تا مهرو تصدیق و تاکید کرده انفاذ حضور شود فوراً "
 ورا "مهه و فرصت نداده بدشمن بهیچ وجه که جای خود داری نیست .

(مهر) عبدالحسین موسوی

سردار کرم آمد اقباله العالی بعد از طی دعوات عالیات و ادای
 نشکرات جناب آقای عمده السادات دام عزه بشارت قدوم مبارک و تبلیغ
 رساله را مراهورات و اوامر مطاعه گماهو حقه رسانده داعی حسب الامر مطاع
 شرعی آنچه تکلیف شرعی و وظیفه اسلامی و اطاعه صاحب شریفه و اعلی
 حضرت حجه (ع) بوده تبلیغ بلیغ به هر کس و به هر جا نموده و تا آخر قطره
 خون در اقدامات مجدانه و مجاهدات غیورانه ساعی و جاهد بوده وهستم
 و امید ورم به مواعید صادقانه خدا و رسول و امام عصر (ع) در این اقدامات
 غیورات تلافی و تدارک مافات و دوام دولت و ریاست و احیاء قابلیت و سلطنه
 موروثی و آباء و اجدادی تاریخی در اعقاب و نیک نامی تا ابد الدهر حیات
 سلطنه گردد انشاء اله حکمه بلقمان و قطره بعمان چه حاجه بییان چونکه لازم
 ست لطفعلی خان یا سرداران بهار لوروانه کوهستان فرک سببه با فرمان جلو
 تیری بهر کس بهر جا که راه نوار و جای فرار از هر گوشه و کنار و وعده های جزیله
 بلوکنه به ایشان داده از غنائم دارالکفر و منصب و عنایات و غنائم به
 همچنین برسا (روسا) جهرم؛ شیراز فوراً " تحریص و فرمان داده به همچنین
 مگر سیر به همچنین بعضی روسا سنی از گماشتگان سرکار با فرمان اکید فوراً "
 امور... (؟) بنادر لنگه عاسی فرموده برای جلوگیری و تحریک مواد جلو
 جری از ابالیس انگلیس و شب خون زدن و بلوی کردن و راه بستن اقل اقل اعانت
 سروسات نرساندن به آنها کافی در قمع و قلع آنها العاقل یکفیه و بهر کس
 بهر جا که اعلان حکم شرعی العمل لازم دارند بفرمائید بمنشیان مرقوم
 دارند کورسال داشته تا مهرو تصدیق و تاکید کرده انفاذ حضور شود فوراً "
 ورا "مهه و فرصت نداده بدشمن بهیچ وجه که جای خود داری نیست .

پرتال جامع علوم انسانی و مطاب

جناب مستطاب اجل آقای سردار عشایر دام اقباله در مفاد تلگراف
 عزیز شما مسبوق شدم به طوری که مکرر به جنابعالی تذکر داده‌اند نظر به
 خوالم محبت قلبی گنسبت به شما دارم همیشه مایل هستم که ... (؟) و
 احترامات شما بر قرار و به مساعدت مادی و معنوی اینجانب مطمئن باشید
 هر مورد اصلاح هم بخصوصاً " چون طالب میل جنابعالی هستم به مامورین
 خود دستور داده‌ام انداماتی که در اصلاح ذات البین به عمل نیاورند طوری
 باشد که به احترامات جنابعالی لطمه وارد نیامده و محل مذاکره را در نقطه
 تعیین نمائید که با احترامات و میل جنابعالی موافق باشد فقط نیت و مقصود
 حلی این جانب این است تا موقعیکه نفوذ در حدود جنوب کاملاً " مستقر
 شده است موجبات انتظارات این صفحات فراهم بوده و اختلاف و اغتشاش
 پیش نیاید که دولت مجبور به اعزام قوا گردد و با این حال بهیچوجه راضی
 جیشوم که از احترامات جنابعالی گاسته شود هر طور که مایل برای اصلاح
 انید اظهار نمائید تا دستور دهم بر طبق آن رفتار نموده و موجبات استرضای
 خاطر جنابعالی را فراهم دارند یقین بدانید که اگر محظوری برای دولت
 بین آید این جانب بیشتر رضایت دارم تا از جنابعالی دست بردارم

فرمانده کل قشون رس

جناب مستطاب هر قدر بر دردم قنایه و رفاه فکر از رزق مدون شدم
 به طور عمده در این جا بایسته کرد لعله نظر به عوالم یکت فکرم نسبت به شما دارم همیشه
 مایل هستم در عینت و احترامات شما بر در در به مساعدت مادی و معنوی اینجانب
 مطمئن باشید در مورد اصلاح هم بخصوصاً طالب میل جنابعالی هستم به مامورین
 خود دستور داده‌ام انداماتی که در اصلاح ذات البین به عمل نیاورند طوری
 باشد که به احترامات جنابعالی لطمه وارد نیامده و محل مذاکره را در نقطه
 تعیین نمائید که با احترامات و میل جنابعالی موافق باشد فقط نیت و مقصود
 حلی این جانب این است تا موقعیکه نفوذ در حدود جنوب کاملاً " مستقر
 شده است موجبات انتظارات این صفحات فراهم بوده و اختلاف و اغتشاش
 پیش نیاید که دولت مجبور به اعزام قوا گردد و با این حال بهیچوجه راضی
 جیشوم که از احترامات جنابعالی گاسته شود هر طور که مایل برای اصلاح
 انید اظهار نمائید تا دستور دهم بر طبق آن رفتار نموده و موجبات استرضای
 خاطر جنابعالی را فراهم دارند یقین بدانید که اگر محظوری برای دولت
 بین آید این جانب بیشتر رضایت دارم تا از جنابعالی دست بردارم

انسانی و مطالعات فرهنگی
 جامع علوم انسانی

بشر فعرض اجل اکرم افخم حضرتعالی میرساند که به زیارت تلگراف
 صحبت انصاف که حاکی از غیرتمندی و اسلامیت و حفظ و حقوق قومیت و
 بیان شریعت و اجراء اوامر مطاعه حضرات آیات الله نجف اشرف بود زیارت
 تمردیم روحی ناگهانی در روان ملت مشروطه خواه دمید نوید فتح و بشارت
 میسر ماه رسید از صمیم قلب تصمیم و عزم تشریف فرمایی بشیراز و احقاق
 حقوق مظلومین لار و غیره را از یهودی زادگان پسرهای قوام تبریک و تهنیت
 عرض مینمائیم و بر این مژده گر جان فشانیم رواست هزار چشم فزون در ره
 توفرش ره است . بدان امید که بگذرد تپه بیرون قدم میمنت لزوم از جان
 دل پذیرا هر قدر زود تشریف بیاورید دیر است واله ملت مظلوم بیش از
 این تاب و توانای تحمل بار ظلم پسرهای قوام را ندارد خدا کند که بواسطه
 افساد فسدین این عزم رحیل بدل با قامت نشود شما را بانبیاء گرام و اوضیا
 و اولیای فخام بجمیع صدیقین و ملائکه مقربین قسم میدهم که بیش از این
 ذلت ملت را نخواهند بزودی مختار وارد مار از روزگار این اکفر کفار و افجر
 قجار بدتر از یهود و نصارا بر آورید خدا میداند برای لکه (؟) تاریخی که
 اینها روی اهل فارس گذاردند سربزیر دول خارجه شدیم انتشار تلگراف
 حضرت اجل محرک آنها شده که باشکال مختلف با مهار جعلی پیوسته حضرت
 اجل از تشریف فرمایی منصرف نشوند زنهار زنهار که قریب این دیوان ...
 (؟) نخورند آدم صورتان نخورند .

خیر الخیر ماگان عاجله وفی التاخیر آفات برومند باد آن همایون
 درخت که در سایه آن توان بر درخت .

زیاده عرض جز نصرت دین اسلام ندارم

(حاشیه) بسم الله الرحمن الرحیم عرض می شود که اهالی شیراز
 از این بشارت بسیار خرسند هستند و دیگر آن شیطنت و براندازی و فحاشی
 شب را کمتر نموده دست و پاچه هستند تا این ... (ناخوانا) الاحقر علی
 (مهر) علی مع الحق

کلیه کتب و دستاویزات
 موجود در این کتابخانه
 متعلق به حضرت آیت الله
 العظمی آقا میرزا محمد
 باقر است

بشر فعرض اجل اکرم افخم حضرتعالی میرساند که به زیارت تلگراف

صحت انصاف که حاکی از غیرتمندی و اسلامیت و حفظ و حقوق قومیت و

بیان شریعت و اجراء اوامر مطاعه حضرات آیات الله نجف اشرف بود زیارت

تمردیم روحی ناگهانی در روان ملت مشروطه خواه دمید نوید فتح و بشارت

میسر ماه رسید از صمیم قلب تصمیم و عزم تشریف فرمایی بشیراز و احقاق

حقوق مظلومین لار و غیره را از یهودی زادگان پسرهای قوام تبریک و تهنیت

عرض مینمائیم و بر این مژده گر جان فشانیم رواست هزار چشم فزون در ره

بشر فعرض اجل اکرم افخم حضرتعالی میرساند که به زیارت تلگراف

شکاه علوم انسانی و مطالعات
 مرکز مطالعات جامع علوم انسانی



نمبر کتاب — اداره تلگرافی دولت علیه ایران

سنه ۱۳۰۱

نمبر قبض	عدد کلمات	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول	اسم گیرنده
نمبر تلگراف				۱۳۰۱	...

حاج میرزا احمد سردار جنگل سردار اعظم ارتش ایران
 به اردشیر کوشکی و احرار و اشرار است شرارت انگیزان امر فحاشی در مردم
 نموده و سایر اشرار که است را در همه بلاد و همه شهرها
 است بر آتش و با تیر و کمر خنجر و سرنه بر ما فحش را در همه بلاد
 اقصای اقسام اعزاز قوا نماید و با اگر صلاح میدانند امر را بکنند
 راجع و مفوض دارد تا هر اقدامی که مقتضی است بعد از در نظر
 وزیر جنگ رضا

از: طهران
به: گازرون

تاریخ: ۱۳: ثور ۱۳۰۱
 جناب مستطاب اجل آقای سردار عشایر دام اقباله از مدلول تلگراف
 جنابعالی راجع به اردشیر کوشکولی و اقدامات شرارت انگیز او در میان ایل
 قشقایی و لزوم تنبیه و سایر اشرار که با مشارالیه همدست و همدستند اطلاع
 حاصل شد لازم است مراتب را به امیر لشکر جنوب مراجعه نمایند یا خود
 مشارالیه در صورت اقتضا اقدام با عزام قوا نماید و یا اگر صلاح میدانید امر
 را بخود جنابعالی راجع و مفوض دارد تا هر اقدامی که مقتضی است بعمل
 آورید .
 شماره ۶۷۵
 وزیر جنگ رضا

ما مه پاسخی است به نام مه خسرو خان
 ثی در زابطه با حیای جبهه ملی در
 چ از ایران .
 بین نامه مرحوم دکتر محمد مصدق
 به به دعوتی میکند که قشقایی هادر
 برداد سال ۲۲ از وی بعمل آوردند
 ا پیوستن به قشقایی هادر فارس

احمد آباد مرداد ماه ۱۳۴۱

قربانت گردم از صبح روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که نزد بنده تشریف
 آوردید و دعوتم فرمودید که بجنوب حرکت کنم اکنون درست نه سال می
 گذرد که سه سال در زندان لشکر ۲ زرهی بسر برده ام و شش سال هم در احمد
 آباد و بعد هم نمی دانم بچه صورت بگذرد از وصول مرقومه جنابعالی نهایت
 امتنان دارم و ارادت این جانب بخانواده ی شما از آن وقتی است که متصدی
 ایالت فارس شدم و ملا حظه فرمودید که از روی عقیده و ایمان مرحوم مولت
 الدوله را که خانه نشین بودند بریاست ایل قشقایی منصوب و آن مرحوم هم
 خدمات بسیاری در راه امنیت و رفاهیت مردم نمودند و در مجلس شورای
 ملی هم جنابعالی و این جانب هر دو افتخار نمایندگی داشتیم آنچه از ما
 بر آمده است در خدمت بجامعه خود داری نگرده ایم از این جانب بواسطه
 کبر سن دیگر خدمتی ساخته نیست و باید در همین زندان از بین بروم ولی
 امیدوارم که شما جوانان مملکت که آتیه بهتر و بیشتری دارید در راه خیر
 جامعه بکوشید و از هرگونه فدا کاری نسبت بوطن عزیز خود داری نفرمائید
 نظر باینکه این جانب در امور جبهه ملی کوچکترین دخالتی نمیکنم و در طی
 یک نامه سه ماه قبل جناب آقای المهیاری صالح عدم دخالت خود را در گذشته و
 در آتیه تذکر داده ام از انجام موضوعی که مرقوم فرموده اید معذورم و امیدوارم عذر
 بنده را قبول فرمائید همواره توفیق جنابعالی را در خدمت بوطن عزیز با
 صحت و سلامت خواهانم
 دکتر محمد مصدق

مبارزه را علیه رژیم منفور پهلوی ادامه
 دهد .
 چون این نامه تاریخی در آغوش
 لحظات چاپ ماهنامه بدستمان رسید
 از این رو موفق به ارائه آن جهت بررسی
 به استاد باستانی پاریزی نشدیم .

فہم کرم
رضیع موزر ۲۸ مراد ۱۳۳۲

تشریف آئیدہ در عزم فرمودہ چخوب حاکم کم نہیں دست نہ پال
بگدر در حال در زمان سگری نوری مراد عام نشانی ۱۳۳۲
وفتہ ۱۳۳۲ مراد کم صورت گدر در صورتی بر وقتہ ۱۳۳۲
این جانب کار ادوی بنام لوان رضی است معقدی امانت ماری شد و در علم
فرمودہ ۱۳۳۲ دردی عقیدہ ۱۳۳۲ در آن مرحوم صورت الیہ مراد عام
برکت لیر شفا نہ صرف و آن مرحوم نہ صرف بسیاری در راه است
مراد فرمودہ در مدرس سرانی می ۱۳۳۲ در آن مرحوم
برکت است در وقت کا سہ ہزار گدر ۱۳۳۲ از آن جانب در علم کرم
ما شہد است و این روایت بہان این مردم و ۱۳۳۲
حکمت ۱۳۳۲ بہ شہد شہری دارم و در آن خبر جامعہ کرم شہد دارم
بیت در علم خود گدر در وقتہ ۱۳۳۲ در آن مرحوم
ما آفرینکم در علم یکسانہ شہد کرم ۱۳۳۲
خودا در گذشتہ در وقتہ فرمودہ ام در آن مرحوم
مدرسم و در علم مقدر شہد را قبول فرمودہ
صفت بہان خود صفت و شہد خود ام و کرم